



خانه

قلم ها

پیوندها

روزانه ها ...



آراد (م.) ایل بیگی **گاه روزانه های دیروز ... و امروز**

آوردن این مطالب، نه به معنای تأییدست و نه به تبلیغ؛ تنها برای خواندنست و ...

524-2

رژیس دیره: در باره اروگوئه (برگردان: بهرام یا بهرامی [فریدون ایل بیگی])

در باره اروگوئه (۲)

نوشته: رژیس دیره

ترجمه: بهرام



فهرست

صفحه	ترجمه	نوشته	
۳		برتولد برشت	در ستایش از دیالکتیک
۵	بهروری	لامارکا	نامه ای از یک افسر شریف یک پدر انتقالی
۱۸		کابیلو تیرس	حمله یک زندگی
۲۷	آذر میشر	نگون سانتا	میکه های با صاحب لال
۴۴	قباد	مارسل لیمن	لنین در ۱۹۰۵
۵۸		سماوش کسرای	وینتانی دیگر
۶۰		-	خانگی
۶۶	بهرام	رژیس دیره	در باره اروگوئه
۹۹	سعود احمد زاده	ویلیام بوری	مسائل در باره تز دیره
۱۰۹		طاهرین جلون	نغم و امام
۱۱۱		احمد قواد ^د _{سج} امام	صفحه ای از یک پیونده
۱۱۴	کیوان	-	چه گوارا مرده است
۱۱۳	فرهاد	لوئیس سرارا	در باره استراتژی و تاکتیک میسر
۱۲۰		نگون بیت خانی	امترافات یک کنش ضد کمونیت
۱۲۶			سطوری از رساله "چگونه مبارزه ..."
۱۲۸	شاهین	الکتور مارکی	فرید یک انگس

۳- انتخابات ۲۸ نوامبر ۱۹۷۱: راد یوگرافی از یک اندام غیرعادی اجتماعی

ظرافت مکانیسم انتخاباتی اروگوئه، با سیستم ظروف مرتبط است که یکی از احزاب دست راستی تاریخی - بلانکو و کورادو - امکان می دهد که آرای احزاب چپ را به آرای خود ملحق کند. بصورت ضرب المثلی، راد است. مورد خاص یک دموکراسی بیرونی با صورت ظاهر بسته رفته است - بصورت یک ضرب المثلی در آمد است. بدون اینکه در زمینه این علم - که متخصصین و حرفه نیچو مخصوص بخود راد است - وارد جزئیات شوم، یکسره به نتیجه رو کنیم. در آوریل ۱۹۶۱، ۱۶۱۱۱ رأی وارد صندوق ها شد. قزاق آرا که باند از خود شیوه رای گیری پیچیده و در رکن دست راست، پس از چندین روز تبلیغات ریاضی شکوک و متناقضیه نتیجه زیر طوگر کردید: حزب کورادو و ۶۸۱۶۴ رأی، حزب ملی یا بلانکو ۶۸۸۸۲ رأی و جبهه گسترده ۳۰۴۶۷۵ رأی بدست آوردند. هر یک از احزاب سنتی اروگوئه فی - که در دست تراینکه - "انتراکوین سیاسی" نامیده می شوند - جز آنقدر اسی لیستهای متحد - یا "Sublemas" یعنی نمایندگی یک "کود یلو" یا یکی از گرایشها - چیزی بگری نیست. La Ley De Lemas امکان می دهد که مجموع تمام آرای لیستهای مختلف بسود "Lemas" بی. تاریخی یعنی حزب ریخته شود. این رسم معجزه آفرین یک نتیجه ناسمج و غامضی لغات و رایجی آورد: سرانجام بورد امبری با ۵۲٪ ۳۳ رأی بریاست جمهوری انتخاب شد. در حالیکه نره برا الد و ناته، یک "مترقی" میانه رو با ۸۶۱۱۳ رأی شکست خورد. کساند پدای اقلیت پیروز شد، بدلیل اینکه مجموع آرای لیستهای حزبی یعنی حزب کورادو و از مجموع آرای لیستهای حزب رتیب یعنی بلانکو بیشتر بود. بورد امبری با ۲۰٪ آرا به ریاست جمهوری اروگوئه انتخاب شد.

این مبارزه انتخاباتی بوسیله سیستم حاکم مشابه آخرین جدال بین دموکراسی و کمونیسم - یعنی معاصر آبا اجدادی ملت و معاویه بلوگری وارد شده از کشورهای خارجی، معرفی کردید - سینه و نیرنگی که همواره سود آور بود است. توی این بسته بندی قشنگ، همان محصولی وجود نه داشت که در اکسپ های تبلیغاتی به خلق الله وعده داده شده بود: این محصول نه تنها وطنی، ایمن هدیه نه تنها دموکراسی نبود، بلکه بلخوشی بود. دموکراسی و سود و درد وارد شد و از کشورهای بیگانه بود. زیرا که سفارتخانه های آمریکا، آرژانتین و برزیل، وظیفه تعلیم و تحمید حسنیه های گروههای ضعیف تر لیستهای "اسکاد رین مرگ" و "آه" (۱) را بعهده گرفته بودند. در دوران در جریان همین مبارزات انتخاباتی بود که حکومت که سنگا تبه سیاسی خود را وارد میدان عمل کرد: امکان احزاب چپ، از جمله "کمیته های پایه ای جبهه گسترده" را مینقصیل بوسیله "افراد ناشناس".

بصیری در قضاوت درباره مرتجعین سیاسی هموطن خود، چون گیلانز (۲) راد رسیده ها ی "مارچا" (۳) شدت از همان قبل از اعلام نتیجه انتخابات درست دانست و جای سوم را بسرای جبهه گسترده در نظر گرفت. این خود یک موفقیت جالب بود: برای اولین بار در تاریخ کشور، احزاب چپ موفق شدند که جانش را برای خود توی آفتاب باز کنند، شیرازه و وحشیانه صد ساله را از هم بگسلند و خود را بعنوان نیروی سوم در مقابل سیستم اولیگارشیک تحمیل کنند. همه اینها فقط طی هشت ماه موجودیت بود، در مقابل و وحشی که هر دو رتیب گذشته بوجود آمده و در طول زمان و با گذشت ایام، خود را با Idiosynorasie (۴) طی عوضی گرفته اند. بدست آمد، در نوشته دیدگو سرگز اقتصاد و سیاسی کشور جبهه با ۲۰٪ در صد آرا، مقام دوم را بدست آورد. بهمنی بعد از حزب کورادو (۵) با ۳۹٪ در صد آرا، و قبل از حزب بلانکو با ۲۱٪ در صد آرا. تعداد آرای آن از ۱۳۰۰۰ در سال ۱۹۶۶ (۶) با جمع کردن کلیه آرای احزاب و گروههای متحد شده در انتخابات (۱۹۷۱) به ۳۰۰۰۰ رسید. یعنی ۹۰ درصد افزایش یافت. در حالیکه آرای حزب سنتی را در کاره ماند و با توستنژلی را بپیوند، برکنس، چیزی که مایوس کننده است، و از کون شدن جنم اند از هاست که اینگونه انتخابات الزاماً بدنیال می آورد: چیزی که ناشکیبایی آنرا همجسبون بود. پیروزی یک مرحله از صعود جنیتی تیره ای ترسیم میگردد: در عالم واقع، در لحظه موجود، بهشاسه فتح الهاب مرحله جدیدی از زندگی اروگوئه می معرفی کردید - مرحله ای که بدون تردید بسیار طولانی، پر تلاطم و سرشار از حوادث غیرمنتظره خواهد بود.

یک قرن تاریخ را در چند ماه نمیتوان جا بورد کرد: اگر جواز برای قطع با فضا داشته باشیم باید بگویم این قضیه فرعی محلی اینک سلسله حوادث میتواند یک درس هگانی بشمارد. ماجرای دو حزبی کورادو و بلانکو در اروگوئه، یک خط تیره ویژه از اوضاع و احوال سیاسی نیست بلکه این زهد آن تاریخ است که چنین نوزادی را برای ملتا اروگوئه ساخته است. در زمان جنگ داخلی ۱۸۳۸، حزب کورادو و همچنان سنتی و نرال هموگوشی و زوری را، و حزب بلانکو بعنوان سنتی "اروپا" تولد یافتند. و بهنگام "اتحاد ملث" در سال ۱۸۶۵ بود که نرال - فلورس" قدرت را بدست آورد. بدست گرفت بنیای حکومت صد ساله حزب کورادو را برپا داشت. این اقتدار صد ساله فقط یکبار، بدنیال کورادو در سال ۱۹۵۸ قطع شد. بدین معنا که موجودیت ملی ایالت شرقی ژیرود و بلا تا بنوی با موجودیت این اتحادیه هگتی مظهر سیاسی با جبهه در و گانه عوضی گرفته میشود. و بر اساس مرکز فروریستین یالنه، در گما زاین قرن، که با از نظر سیاسی کار زین را نیگارش ملی (بدون اینکه قدرت اقتصادی را از چنگلکس میرون بیارود) طبقه متوسط سوده وید توش را بگریس قدرت نشاند، در داخل این محدوده عمل میگرد که حق پس از مرگ الهام در هفت و برهیزش - پانله می اورباز، در ۱۹۲۱ - نتواند ترم و توشی حقانیت تیره ای و بناسیونال دموکراسی را در نیمه اول این قرن تضمین کند. در اروگوئه مردم "کورادو" یا "بلانکو" متولد میشوند، همانطوریکه در انگلستان جماعت "محافظه کار" یا "کارگر" در ایالات متحده، "دموکرات" یا "جمهورخواه" زانیده میشوند. وابستگی بسروال رسم و عادت، که معرفت یک شکل از شهروندی نیست، بلکه نوعی عقیده و تصمیم قلبی جوی است که بیشتر مشابه یک شناسنامه و ایروای هویت یک فرد است تا معرفت حالت روحی او، بیشتر یک نوع و

باصحاب یا مینریتا بود. مرحله قرار میگرفتند و بر تکین این اصالت غیر قابل دسترس "اعلام میشدند" به این دلیل خیلی ساده که: اینها معمولاً با استفاده از ماشینهای اداره "انتخابات و تفصیلات" شهریاتی به طبعات خود را با هم می رسانند. گشتی های فلاتیستیکه تا به بوز در شهروستانی به متوجه کردن و متفرق کردن اجتماعات جبهه دست میزدند. تعداد زیادی از دانشجویان و مبارزان را بکشتل رسانند و محلی کردند و شکجه دادند. سو قصدی بجان نرال سرگشی، گانده پناک جبهه گسترده برای ریاست جمهوری بمل آمد که با واسی ترسانند و در عرض یک کارگر ساختمانی را که در کارگاه ایستاده بود از پای و در آورد. حکومت نظامی، سازماندهی و توفیق های غیر قانونی، همه انواع و اقسام فشارها و تهدیدها، تجسس منازل، ترم ریاتی ها از چیزهای نادیده در لیست "انتخابات و دموکراسی"، به شمار میرفتند، و بطوریکه ام - ال - ان - تو یا ماروها در هنگام ارائه حمایت خود از جبهه گسترده پیش بینی و اعلام کرد، بودند. بهیچ ارضیسی از میزان انتشار نتایج آن میگاست، شاید اینطور گمان بود که نتایج ارقام بعد از این انتخابات در آرای فائده مهمی از نقطه نظر تاریخی نبود و فقط نشانیه یک بررسی ساده روزنامه نگاری می باشد. این انتخابات قدر مسلم یک تاریخچه است نه بیشتر، با اینکه همین تاریخچه امکان ورود مان را با تاریخ اروگوئه فراهم میسازد. زیرا که همین ارقام واحد، یک بزش عمودی از نحوه تفکرات انتخاب کنندگان اروگوئه می راند. بدین و نایده و مطالعه این بزش عمودی در تقابل این امر خلاصه میشود که: بنوی باز تا یکسره بر آری از گذشته اروگوئه نیست بر روی زمان حال آن. مابین مفهوم، این انتخابات و نظایران، نوعی یاد آوری و تذکره فرمان و موجب ترتیب معلول بولتیز (De terminisme) تاریخی بر تفسیر گونسی در طسرفداری از تکب اصالت اراد (Volontarisme) انقلابی بشمار میروند. ایمن نتایج در نوزده بسیاری از مبارزان اروگوئه می و نظاران خارجی، با شرفا فلگیری بویود آورد است. و این سرخورگی میتواند با توجسه به سطح چشم داشت روزانی و سنده توهمات مصحح کننده ای که موفقیت (انتخاباتی) وحدت تیره ای شبلی فی در دست راسته راهی لاین برانگیخته بود، قابل توضیح باشد. البته برای کماتیک زود که بدون وعده و پنهانی آن (گونه موفقیتها) را از یاد ببرند. این عجیب می نماید که مدافعان بدعت تاریخی از ترمینتیهای ملی را مشاهده کنیم که پس از آنهمه - بحق - فریاد کشید بر علیه دگماتیک ها و ولتیزاریست ها که میخواستند اندر ازم و بزه کوب برای رسیدن بصومالیسم ر بصورت نمونه عام در آورند. یکسره همینکه قضیه "راه نیلی تی" پیش می آید در همان بیواحه هاسرگردن می شوند و همه جا دست به تبلیغ فرمول "وحدت تیره ای" می زنند و آنرا همچون توری معجزه آسا برای شکلات جنبشهای انقلابی مبارکسروهای امریکای لاتین معرفی میکنند. این احتمال هم وجود دارد که ضد آنان کثرتقلید از نحوه بیشتر توجه با این واقعیت تاریخی مبارزه مسلحانه بود، است که نمیتواند بعنوان تکیه گاهی برای آن بگارید. بهرمنان، با توجه به واقعیت سنتی بیکر انتخاباتی اروگوئه می، با توجه به شرایطی که از نظر تاریخی معین و مشخص شده و خاص شرایط جامعه اروگوئه می می باشد، و همچنین با توجه به انواع و اقسام ناراحتی های سرکوب گرا یا ته ای که برای مبارزه انتخاباتی احزاب و گروههای چپ ایجاد شده بود، باید این نتایج نه تنها منطقی بلکه حتی رضایت بخش اعلام داشت. پیش بینی های افراد صاحب نظر

چروک* برونزدگی بدنی است تا بکشد ضدیت طبقاتی... سابق بر اینها، بلا تکیه معروف مانگان زمینداران را با خود بود... و کورادو، وها نمایندگی بورژوازی جدید... و رجال رشد موده ویدو، این طبقه بندی امروزه دیگر دارای مفهوم چندانی نیست... و در مقابل احزاب راست که جبهه احزاب راست را نشان می دهد بلکه قیافه حقانیت تاریخی و سنت ملی را بخود گرفته بود... میتوان گفت که جبهه کشورهایمان روزی بنامده نش بزمین کوتاه بود... احزاب چپ - تنها اینوقت - همواره توسعه می جستند و در این راستا، در جامعه می تاملان حد "پیشرفته" و "موتور تنیه" باور نکرده می نمایاند... بعنوان یادآوری مکتد کشوری که مجموع آرای احزاب کومنیست، سوسیالیست و کلیه احزاب و گروههای نزدیک به یا متحد با اینها هیجوقت و انتخابات از ۷۲٪ آرا را تجاویز نکرد (در ۱۹۶۳، در حد ۵/۴ درصد آرا، در ۱۹۵۸، در حد ۶/۴ درصد آرا، در ۱۹۶۲، در حد ۷/۶ درصد آرا، در ۱۹۶۶، در حد ۷/۶ درصد آرا) - این ارقام میتوانند خصیصه گروههای کوچیک باشند و معاینه و آریدون احزاب چپ سنتی - از جمله نیروی بهرامیسان یافته، پیشتر متجانس و پیشتر برتری یعنی حزب کومنیست - را بوضوح نشان دهند... بحران اقتصادی حقیق که از سال ۱۹۶۰ به بعد، به دلیل ساختن اجتماعی، نه اوضاع واحوالی - بنیان اروگوئه را بحیوان یک کشور به وزارت سترس ترافا، نریوزوکر در این روزها شگفتیهای جدی در نومین ناپذیر ایجاد نمود... سقوط سطوح رفاهی نابودی تسبیح کرد... آنرا نشان داد... پایه های راجله و برانداخت... ولی با اینجه آتنواریا و دی نیواریوزو کریمین نزد... کامال برعکس: خانه خرابی اقتصادی و اجتماعی برکنش ناپذیر، بنظر میرسد که بنوع سبیلهای آشنای سکون و آرامش سیاسی سابق را تقویت نمود... در همان لحظه ای که *Nuestro Tradicional Estilode* (Vida) - همچون رز نمانی ارتجاعی که تمام مسائل را نشان میدهد و آن همت میشد - به اوج تجزیه و تلاشی خود رسید... هر دو متاخذ جید و این "سیک زندگی" از طرف طرفهای سیاسی از مردم بگونگی همیسترایی بدست آورد... به یک جامعه در حال غری شدن و انتظار دست و پیا زدن خوبی حمایت نمیکند... و نامردانه میگردند... بهر چیزی چنگ، بپند آرد که یاد آورند از دست رفتن صلح و آرامش زمان گذشته... و در شرایطی که بعد از چنگ اوست... چه باک که قانون رفاهی بر پایه ای از گاه استوار است... آنچه مهم است چیزیست که با او مانگان دهد بکار دیگر... برای آخرین بار، به عالم روی آورد... به این مفهوم، رفتار انتخاباتی اکثریت خلق اروگوئه می باشد که علما مشکلات جوانانه و اطمینان طلبانه لیکن بنوعی مطلوبی بوج ویت ابرار خواندن و ویری ارواح خبیثه شرایط فعلی فوت کردن شایعند... در گویی که با این بیان پاس آلورد و خشم آگین "نوستالژی" خود میتوانست است... به آن بیماری دستخیزان تازه ای ببیند... این عکس العمل که پشتمند و انس احساسی و مغایر با عقل سلیم است... نمیتواند تا اثرات نریزیانند... قد رسل نمیتوان در همینجا متوقف شد... این اوست... روانشناسی عمومی کترت هانیت... بلکه علم الاجتماع و بهر ایدست که اکثرین حرفش را بر زبان نثارند... این حرکتی است... که منگی بر اینست... که اثرات نریزی را میتوان... به افتخاری کردن بروی طلب آنها (چهار جوسرگاپیتالیسم) که بوسیله احزاب تاریخی الیگارشی اروگوئه در رنگ و ریش زد... به معرفی گذار شده... به مدیریت کرد و بیطرف

نمود، بی نقسه عقلی جلوه میکند: دارای پایه و اساس باری و بیستی است... این جبهه غریبه... محافظه کاری - در صورتیکه بنوعی خود بروی ملک واقعت اجتماعی محافظه کارتر از آنی که در رخسار تصویرش نریفت... علم نبود... از چنین شدن نتیجه نوستانت برخوردار است... و رشخند و استبزیاسی که موضوع کلبه ای که بنام است... که بر اساس آن "اروگوئه" سوسیالیسم "است... پیشتر در آسند اجدادی هرنقلی انغلابی را تشکیل میدهند که میخواهند احترام بدهند و آرد... به دیکتاتور است که یک مکان مشترک بوسیله انشی تزی بکماند... از خود تر خطرناک است... مانگان دیگری را بر ایدان است... کلبه در گلبه دیگر... بنوعی در ضد نموده خود... منگسخت شد... اروگوئه یا ضد سوسیالیسم آمریکا... در نتیجه "اروپای لاتینی کردن" کشوری که هنوز تا روز یک سزمین پناهندگان واحدی جزیره ساکن بود... با چنگارهایی بپرکت با بانکیهای بی نظاهرود... از هونز هه چیزهایی که از "سوسیالیسم بون" در آن باقی ماند... بود صونکرد... بود... زیرا که فقط سازمان سیاسی نبود که اروگوئه را سابق بر اینها به قوم و خویش ممانتی و تشنگی شهاخت میداد... همان مرکب ایزه عضو... که سه تن از آن سسها از افراد مخالف دولت بودند... به پیروی از "شورای قد رال سوسیالیسم" که از ۱۹۱۷ تا ۱۹۳۳ و از ۱۹۵۱ تا ۱۹۶۶ اروگوئه حکومت میکردند... فضای خود را باین دویم ریاست جمهوری از نوع امریکایی دادند... که تاکنون آره کو" (رئیس جمهوری است... با خصی سربگردانه و استعداد، مطلق الهستانی را به نهایت آن سوق داد... و در شرایطی و خطرات آن... بویژه آرام و به روزن فرستان... با اینهمه، پایه های ظاهری بنای اجتماعی تشکیل سوسیالیسم... با فاصله... در همین وقت و با همین سرعت... مشاهده شوک مالی، سطح عالی متوسط زندگی، و با اشتغال مصلحت گنده... کن و خوسهای اجتماعی پیش بینی شد... در نتوانن اساسی... تا بود نکردید... ترکیب جمعیت بر اساس گروههای متنی... پختن آن در میان بخشهای فعالیت اقتصادی... تریج جغرافیای آن همچنان به ارائه دادن یک ساختمان اجتماعی کشوری "پیشرفته" به اروگوئه ادامه میدهند... که (این ساختمان اجتماعی) پیش از این در مقام مقایسه با ساختمان اقتصادی در اروگوئه سیر فزاینده و در حال عدم توسعه و فاصله زمانی پیدا میکند (یعنی ساختمان اجتماعی همان آهنگ رندو معکوس یا سیر فزاینده ساختمان اقتصادی و سوسیالیسم تجزیه و تلاشی تمیق نمیکند... بلکه اولی البته پایه ای در سوس... ولی با چنگ... به فاصله عقب تر... حرکت میکند... م)... در فراره ای که با انتظارش و از بد جمعیت مواجه است... اروگوئه - مانند اروانتین - (یا ۳/۲ درصد افزایش جمعیت) به دام غوس نزولی واطی میگردد... در فراره ای که افراد کمتر از ۳۰ سال آگسرت جمعیت را تشکیل میدهند... اروگوئه یک کشور افراد مسن بشمار میرود... ۶۳ درصد جمعیت کشوری را افراد بالغ تشکیل میدهند... و این ارقام به دام در حال افزایش است... بین سالهای ۱۹۶۳ - ۱۹۰۸ نسبت جمعیت پیشتر از ۶ ساله سه برابر شده است... در همین فاصله نسبت افراد جوان سوسیالیسم سوس کا هاش یافته است... این بیرون در جمعیت یکی از عوامل سیر فزاینده اقتصادی کشی و همچنین یکی از تکیه گاههای ارتجاع سیاسی... محافظه کار سوسیالیسم بشمار میرود... همانطوریکه لویس بن وینگو Luis Benvenuta در بررسی خود تحت عنوان La Terra Y Los Hombres ملاحظه میکند... درینجا سال پیش... اروگوئه ۳۵۰۰۰۰ - ۲۰ ساله عالتوه نبی از انتخاب کنندگان اروگوئه می را تشکیل میدادند... در حالیکه امروزه یک مسو

تقلیل یافته اند... این عدم تناسب، اثرات منفی خود را در رفتار انتخاباتی باقی میگذارد (۱) و این امر توسط بررسی های مختلف مورد تأیید قرار گرفته است... نبی از جمعیت فعال کشوری... بخش ثالث (۷) فعالیت دارند و این در امریکای لاتین نمونه منحصر فرد است... به نسبت جمعیت، هیچ کشوری بیکارگیری لاتینی با انداز اروگوئه جمعیت غیر فعال ندارد... و... جغرافیای نوسنت و سنتی دیگر... و از طرف دیگر، کارمند آن در روستا و در شهر... در ساعات کار میگذراند... صحتی بودن... ضعیف در کشوری که فاقد منابع انرژی و برای معادن و مواد اولیه ناچیز میباشد... نمیتواند ضعف نسبی پرولتاریای صنعتی را توضیح دهد... (۸/۲۷ درصد از جمعیت بطور عمده در بخش دوم فعالیت دارند)... یک کشاورزی شنبانی در حال توسعه - که بنوعی ادکی کارگر نیاز دارند... ۱۹/۶ بقیه جمعیت بحال را در بخش اول جذب میکند... و مهاجرت روستایی به دام در حال کاهش است... و بالاخره نسبت تراکم جمعیت شهری در اروگوئه... بعد از انگلستان... در مرحله دوم قرار آرد... مونه وید ثو امروزه قریب نیمی از جمعیت کل کشور را در خود جمع کرد... است (۱۴/۱۴ درصد کل جمعیت... طبق آمار سال ۱۹۶۳)... و... ۷/۶ درصد کل جمعیت... در ۴۰ شهر پیشتر از... انظر جمعیتی که اروگوئه دارد... جمع شده است... تمام این خطوط جمعیت تناسبی و اجتماعی... در مقام مقایسه با شرایط سایر کشورهای امریکای لاتینی... معروف نوسی... میباشد... این کشور... پیش از آن از لاتین و میتوانست شرایط... اروپایی... را بدین منادا رکند... "Como el Uruguay" (۸) همطوریکه در یک ضرب العلق ها میانه و مورد علاقه الیگارشی بیان میشود... این کلمات در مفهوم خشتور گنده... و بخود ستایانه ای را نشان آرد... که "گریه" (۹) هسای بورژوازی خلد آشنایان اروگوئه می میخواهند به آنها اطمینان کنند... ولی اینهم اشتباه است... خواهد بود... که تصور کنیم خالی از هرگونه طبقه سیاسی میباشد... و در واقع... اروگوئه... استثنای... در این... ساکنان... بشمار میرود...

هر "Establishment" بر آنها تکیه میکند... از نظر کیفی از عدم تناسب بزرگی برخوردار بود... از اینک دست راستها در جهان همه جا کم طرفدار آرد... از بدین معنا نیست که در انتخابات کم رای خواهند آورد... رای دهنده آگاه که قادر است بایان رای خود را توضیح دهد... در مقابل آن... که حساب آورده... میگوید که یک موجود گنده... که کو سفند صفت... که نشانی اقدام سیاسی وی متنی بر اینست که هر یک سال یکبار خود را به حوزه انتخاباتی برسانند... برای خالی نبودن... در این زمان اهل خدمت وی فرود آمد... اکثریت خاموش رئیسی برای میان کردن ندارند... زیرا که چیزی برای گفتن ندارند... ولی در نهایت کار... همین لایسهای کار هم دیده شده... بیشتر از یک نیروی اجتماعی فعال و جوان ولی از نظر ریاضی در واقعیت... رای توی صد و چهار خواهند ریخت (۱۰)... این توهم کلاسیک را نیز از یاد نگارنده... تجزیه شیلی... در هنگام نزد یک شدن انتخاباتی از نظر ورزنده آرد... اگر... وحدت... در ای... که قرار میزند... ۵۰۰۰ نفر برای تظاهرات... آلا... بسنج کند... در حالیکه احزاب... مرکز... مسیحی و "ملی" مجتمع... اینها... تمدن... اینها... نسی... بیاید... معنایش این نیست که در چند ماه بعد... همین نسبت را میتوان در صند و قهای رای باز یافت...

ب... اگر چه صد ترواست... در مونه وید... و... شگافی... در آرایش... فاعی... وضع موجود... ایجاد کند... در شهرت آنها... در حین حوققیت را در مقابل سیستم... فاعی... بورژوازی... سنتی... نگارنده... در دست راستی... در جهت... کاشتن... تخم... وحشت... عملیات... کاند... وهای... فاشیستی... در... ن... (۱) که مسو... حمایت دولت قرار آشنند... بیرونی... نسبی... از طبقه... رای... دهنده... اثرهلاج... ناپذیر... برجگد... اشد... پیروز... اگر بشرایط... مساعی... توجه... کیم... که ارتجاع... رسانید... آن... توانست... دست... بکارشود... کهنگی... روابط... اجتماعی... با نوان... لیس... ملاکین... بروی... "ژمنت"... هایسان... هشت گواقی... ناسیونالیسمی... که خیسلی... ساده... تر... در شهرت آنها... حمایت... خود... ادامه میدهد... در دست راست... بدین... فعالیت اقتصادی... قابل توجه... در شهرستان... پیشتر از... ۵۰۰۰ نفر جمعیت... دارد... سالتو... و پایزاند... و... بیشتر از کار ایالات... بین ۲۰ تا ۴۰ هزار جمعیت دارند... توکل... و تنظیم... فیزیسی... بودن... عکسه گوی... اقتصاد... روستایی... و حومه... شهری... تحت... استعمار... شد... به... اویگاریش... امکان... داد... است... که... در روستا... در جنبش... احساس... کند... که... گویی... در رخانه... خویش... است... حقیقت... اینست... که... جبیه... گسترده... قادر... رنده... است... که این... بیسی... سیاسی... راد... رهم... بشکند... مضاف... اینکه... بحران... اقتصادی... در... ریائی... تقاط... کشور... اشکرات... خبیث... تری... اشته... است... تا... در... پیچخت... یک... کشور... نمیتواند... بدون... مجازات... شدن... و برای... ه... شسی... آشنان... طولانی... رویاروی... اقانوس... ان... تنیک... آمریکا... چونان... یک... گوشه... اروپایک... گوشه... گیر... بخورد... از... امهزات... خاص... باقی... ماند... این... انعام... خاص... چنینکه... از طبقه... روستایی... و... روستایی... و... پس... است... باقی... مانده... است... با طبقات... حاکم... شاید... برجسته... ترین... خط... از... اختصاصات... این... کشور... توسعه... یافته... که... اروگوئه... باشد... بشمار... میرود... گوید... ال... موجود... بین... مونه... وید... [... مسو... و... بخورد... از... امتیاز... با... صلاح... منحصرفر... طبقات... "تویامارا" که بوسیله... طبقات... بین... المللی... فاش شده... است... و... جنبش... بود... های... در مرکز... کن... م... کارگران... است... م... کلامت... عمومی... موسسات... ملی... شد...

دانشجویان و معلمان (همایشها، تمرکزگشده و در پیایتخت) محدود میشد [بنای نقاط کشور] که به صفحه پشت و حواشی برنایه فعالیت سیاسی تجدید شده و حتی این احساس به انسان دست میدهند که گرابیشی به فراموشی گرد نشان چشم میخورند [در این پیش بینی های بنحوبالمانه آمیزی خوش بینانه انتخاباتی در نظر گرفته شده بود - این کم بها - و این به نابرابریهای روزی به تشکیلات اجتماعی صمیم ، بین مراکز سیاسی آنس و دورحوالی عقب ماند ، اشیا و در ارزیابی بسیار اسیج رادار میکی و لاتین " توسعه یافته" بود و لا یلاتا و همیستین در امریکی " توسعه نیافته" بقیه قاره تشکیل میدهند .

در مورد " کمیته های پایه ای" جهبه گسترده و تجزیات مثبت آنها تفسیرهای بسیاری بعمل آمده است . در پایان ۱۹۷۱ در منطقه موثته ویدو و در حدود ۳۰۰ کمیته ناحیه و ۵۰ کمیته کارخانه وجود داشته است . این کمیته ها که در پایه و از سطح پایین پدیدار شده ولی در ریسن خود در درجات مختلف (منطقه ای و یا ایالتی) هم آهنگی ایجاد کرده بودند ، مباحثات آزادانه (از مسائل زندگی روزانه گرفته تا مسائل بزرگ ملی) را بوجود آورده بودند . بنگته گراهان و مبارزان بسیار کاروانی توضیحی ، اطلاعاتی و تحریک و تمییز را در میان توده ها انجام رسانیدند ، بهنجوکی هاز مزید هر یک به سطح صد انتخاباتی رو و جلب آرا بشوید یک " کلوب حوزه ای" محلی ، مفسرانتر میگذاشتند . بنظر میسرند که با اینصه محتاطانه نباشد که در مورد یکی بودن و اثر این تجربیات میانش تاخیم - که پایه اجتماعی و سیاسی این بسیاراریا به تراز کمیته های " وحدت توده ای" فیلسی در سال ۱۹۷۰ بود . در اروپا ۳۰۰ کمیته های پایه ای بیشتر در سطح کارها عمل میکرد تاد سطح توده ها ، بیشتر مصلحتان بود و هم جمع کردن و متحد کردن مبارزان متفرق و پراکنده از هم را داشت و تاملی و نفوذ در توده ها ، بیشتر مرکز جمع و مباحثه به سطح شده و هابود تا ابراز و بوسله بسیج افروزی و نفوذت مانده ، حد اقل اینکه ، این نمایش بود که با روشن بینی توسط بانیان این تجربه - که پرازانتخابات ، درنگراره ای اجتماع کرده بودند - از این بیرون گنمده شد .

در سندی که در ماه مارس (پس از جلوس بودن این صند ریاست جمهوری ، بجای بافکوه اکره در اول مارس ۱۹۷۰) بوسله دبیرخانه ام . ال . ان (توپا ماروا) نگارشی یافته و بعنوان پایه مباحثات کمیته مرکزی جنبش بشمار میرفته است ، یک ارزیابی واقع بینانه در همین حال ملاحظه میشود که انتخابی راهمتوان مشاهده کرد ، این سند پس از اینکه " وقایع جدید ویرمعدارا در قلمرو بین المللی " مورد توجه قرار میدهند ، بدینگونه " مسائل جدید و پیرامون مدارا در عرصه داخلی" بیان میگردد :

" (۱۰۰) - نتایج انتخاباتی در سطح توده ای ، خط مشی پانکرو" راسختر کرد و این امر بویژه در کونا عت در ارزی اعتبار است ، ولی در همین حال ، مارا بجز بر میزند که یک هدف ارزاش بخش خود را صرفاً مستعمل کردن حکومت جدید - بویژه در قلمرو سیاسی و اجتماعی - بنمایم .

۱ - بیرونی انتخاباتی ، مواضع مارا در بین جهبه گسترده مستحکم کرده است و این امر بطانگان میدهند که امروزه بتوانیم بروی یک اثر گداری جدید و خود در میان این جهبسه حساب کنیم . بطور کلی میتوان گفت که از نقطه نظر سیاسی ، ما از این بیرونی بیرونی

۱ - عملیات نظامی ما ، که سابقا فوق العاده ، بدینامیک بود ، بیش از پیش خود را در قلمرو خلقی بوقیهتهای جدید ، به تحریک و داشتن بیرونی و تعریف و بیان آن ، ناتوان نشان میدهد . بعضی از عملیات ، که تا به امروز بسیار مرسوم بودند ، اکنون بدون اینکه چشم بخورند رد میشوند . علت اصلی این پدیده و رانگاید در این سکوت اجباری ، که همانتهبسیای ما را در بر گرفته است ، چشمخورد .

۲ - این حلف اصلی را ، که تا پیش از این در آید و برای ما پیش از اینها خطرناک خواهد بود ، باید در این امر مستحکم کرد که همه - یعنی رژیم ، ایگاری و تمامی جامعه - به حضور ما عادت کرده اند .

این اعتقاد ، سطح متفاوتی در : از اینجاست ، از اینجاست ، در دشمن با تکامل وسائل ، روز به روز کارایی بیشتر با ما مبارزه بر میخیزد ، حتی میتوان دید که تا اینجاست ، در وجود مارا همچون یک پدیده تمیز نیاید ، بیرونی قبول قرار دهد و با آرائش هر چه تعاملت با ما بجهتمیشی بهتر اثر . این اعتقاد ، پس از وجود آمدن یک قانون مخصوص و تشکیل باند های آن ، بنگان ، که وظیفه انجام کیفیت ترین کارها را میدهد ، میگرد ، - میتوانست تا حد بیتفاوتی یا " خستگی " خلق ، در مقابل عملیات ما که صورت تکراری پیدا کرده اند و لا ینقطع همان ضامن تبلیغاتی را که دیگر مستعمل و فرسوده شده اند - به خورد مردم میدهند ، پیش روی .

۳ - برای توضیح این افتها میتوان تصویری را بدست داد : سازمان عملیاتش بهتایید یک واکنش عمل کرده ، اند که خورد خورد و داخل بدن اجتماعی شده است ، در آغاز واکنس تشنجانی ایجاد کرده ، ولی کم کم در آرگانیسم ، اثرات ضد بدن آن را نیش میدهد ، اینکار به بدن آن گمان میدهند که فعلا - بی آنکه خطری جدی تهدید پیش نباشد - با آن بجهتمیشی بیرون از تاسروفت مناسب ، یعنی و تکیه بدن بطور قطعی در مقابلش صورتت پیدا کرد ، کارش را بیکسرده کند .

۴ - از طرف دیگر ، این اولین باری نیست که یک واحد چریکی خود را از یک جنبش وضعی می باید ؛ نمونه های ونزوئلا و کلمبیا و غیره در مقابل ما است . در مورد ونزوئلا ، ع . پتکف ، Petkoff ، در گزارشی منتشر شده در " مارچ ۷۲ " ، بدینشی اشاره میکند : " هنگامیکه مبارزه مسلحانه ، نشانه های درخشانی از قهرمانیها را بنصه ظهور میرساند ، بجز روزی و گابتالیسم ونزوئلای بمبارا ، برای خود ما همه میدانند ، بی اینکه مبارزه نره ای آراسش خیانتشان را مضمحل کرده باشد ."

با چند تن از رهبران که ما اخیرا صحبت کردیم ، بیرونی همین مسئله انگشت گذاشته اند ، در وسط این راه و تقاضای نرد های این مسئله سنگست - بعضی که تلافی بهترین عملیات ما تخفیف یافت - عواقب و خصیص بسیار بیرون ، و تکیه یک نوع خط عملاتی بی برنای تکرار شود ، کم کم این سؤال برای مردم پیش خواهد آمد : " تا کی ؟ " ، و تاول و تکیه جوابی باین سؤال ، داده نشود ، عملیات باید شوری توسط مردم درک و فهم خواهند شد ، به تعبیر دیگر ، ما به این قناعت خرافاتیم و بریزد که عملیات خود را برای یک نوع از سطح تقاضم و

براشیای بیرون آمده ایم .

۱ - با این انتخابات ، حکومت در پارلمان وضع و شورای پیداکرد و مانع به بازبهای سیاسی گرابیشی مختلف ، خود را را از قوت می یابد .

۲ - این پارلمان ، پارلمان در روزتیمت ، ونزوئلا ، توده های " در آن از اهمیت بیستری برخوردار میباشند ؛ این امر مارا ملزم میکند که یک خط عملیاتی پارلمانی داشته باشیم ، ما این منظور که از وضعیت حاضر بیرونی بر آری کنیم .

۳ - از بیرونی سیاسی بی که کشور سه سال اخیر در جریان آن قرار گرفته بود ، و تاولی (Caudillo) بزرگ ، سرآزاد آورده اند ؛ " پانکرو " و " ویلسون فو برا " ، این دو نفر ، جاننشین کردن کنتهای شده اند که سابق برای بر ازاب سنتی تسلط داشتند - ولی از هم اکنون از صحنه ناپدید شده اند ، ما باید نتایج این امر را در نظر داشته باشیم ، بویژه در مورد ویلسون .

۴ - تا نسبتا بهسیم با مهابرات بوسله اولیگارش ، بهرطبقه خلق ، مورد بهره برداری قرار گرفته بود ؛ نتایج بدست آمده ، نشان میدهند که قضیه هنوز موضوع روز میباشند .

۵ - بقیه نقاط کشور رقاب مقایسه ما بونته ویدو و ، ارزیاب یک عقب ماندگی سیاسی میباشند که برای ما یک مسئله جدی و خطرناک بشمار میروند .

۶ - " صلح کردن " - چه از روی صلب و چه از روی اجبار - هنوز بصورت یک اندرز سیاسی مهم باقی مانده و مورد توجه کلیه بخشهایست . ما باید با این بیگانه و متضوری این تصور همنی را مورد بهره برداری قرار دهیم .

۷ - از نقطه نظر اقتصادی ، مشکلات بیست بیستی شده برای سال جاری همچنان در حال تضاد خواهد بود ؛ کشور بظرف یک بیرونی رحمت کرده است ؛ چیزی که به نارضایتی های توده ای ما من خواهد زد .

۸ - تصمیمات عنوان شده بوسله دولت در قلمرو عملیات ، در صورتیکه مرحله اجبارا گذاشته شود ، شرایط عالی برای بسیج توده ای را خلق خواهند کرد .

۹ - سرانجام ، در امر جدید ظهور کرده است ؛ - فاشیسم .

۱۰ - نیروهای مسلح بعنوان حریفان مستقیم سازمان .

۴ - "برنامه ۱۹۷۲"

در پایان ۱۹۷۱ ، هفت رهبری سازمان ، در زندان و فعالیتهای جنبش را در رسال ۱۹۷۱ مورد بررسی قرار داد ، و به جمع بندی آنها پرداخت ، و در همین حال ، برنامه استراتژیکی سال ۱۹۷۲ را تهیه و تنظیم نمود ، و برای ستاد های فرماندهی " ستون " های مختلف به خارج فرستاد . سخن آن اسناد را در زیرین میگویم :

۱ - دراک - یعنی برای " محرمان اسرار " - تنظیم کنیم .

۲ - الان وقت آنست سؤالی را که مردم از خود میکنند ، ما نیز برای خود مطرح کنیم - ما در مهال است که وجود داریم ، در این مدت ، عملتهبسیای در شورای را در زمینه نظامی و در زمینه استقرار مبارزه مسلحانه بعنوان شیوه اصلی عملیات در این کشور ، با انجام رسانیدیم . در این احوال ، سازمان موثری را برپا داشته ایم ، یک خط کربندی بد و و و و و و و و گنمید نام که از آن محافظت کند ، اما بنگار مؤثر شکست راه حکومت چنانچه ما ، بشوید گذا مختلف اورا سرآورد و تقاب را از بجزیره واقعی آن کارزد ، ما به بالاخره در طول همه این سالها خلق را بسازد فرخواند ، ما این فراخوان ما مورد اجابت قرار گرفته است ، ما به همه اینها دست یافته ایم . . . ولی تا کی ؟

۳ - شکل اصلی عملیات نظامی ما تا به امروز خوب و مضطرب بود ، ولی باید این فکر اندیشه مان را بخون مشغول کند که درینک دست باقی تا بنایم ، آنچه را که تا در بزرگ راه و بنامیک بود و در اد کم کم قلع گنمده میشود ، تعیین کنیم . ما میتوانیم با استقبال خطر بیرونی ، محصول آن بیوات که در ایاره از شرایط مواضع جانندان خوب انطباعی داشته است ما را بجهتمیشی وضعی عادت داده است ، که امروزه قادر بشماریم خود را با شرایط متفاوتی مضطرب کنیم .

۴ - اگر ما به فعالیت نظامی خود همه فحاشی - یعنی تحریک جدیدی از اراد و گاهبشایی موجود - و از ارائه ندیم که بتواند آنرا تکیه کند ، اگر اعمال و وقایع جدیدی خلق ننگیم ؛ بیرونی ما بین وضع گرفتار نخواهیم شد که بدست خود ، خود مان را بی باور بجهتمیشی که در همین حال ، بد بنگران اجازه دهیم که در مقابل خلق ، بجزره های دروفیشی را بایزنند ، ما در وضعیت که قرار گرفته ایم نمیتوانیم موضع پیشاهنگی خود را به خاطر به بندازیم ، ما بین موضع را خالی بگذریم و نیاز زبر این مسئولیت شانه خالی کنیم که یکی از تضب های بد و هم جمع گنمده سرتاسر کشور بشمار میرویم ، مردم نباید در مورد آن چیزهاش که ما بینششاید میگویم گفتن تردید بی بخود روا دهند و در مورد انقلابی بود نشان مشوکند . به این مفهوم ، ما نباید قبول کنیم که هر یک از عملیات ما ، سوادی برای تبلیغات توأم با سواد نسبت و قلب و تاحیت بر علیه مارا را اختیارند تسمن قرار دهد ؛ خواهه توفیق کردن یک روز نامه نگار و اعداد یک کنجیه گریاشد و خواهه مجروح کردن یک پاسان . اگر تاد بیرون اینکاره سسما اجتناب نیاید بیرونی ، امروز نمکست که خود ما را در این بختی سرگرد آن کند ، ما باید بنویس عمل کنیم که در سرتاسر کشور ، رباره مان بحث بشود ؛ خواهه در باره بیرونجهای مان ؛ خواهه در باره شکستهایمان .

" مارو هیبر " یکی از ایدیه های اولیگارشیک (در) ، ما سرچنین گفته است ؛ " این را به تصویر خود ، در برابر دید که فرد ای پس فرد ایی از زندانیان همان کاری را میکند که راتول سند یک کرد یعنی به " دیوان بین المللی لاهه " متوسل شود ؛ در اینوقت در کشورمان سرگروه حلیب سرخ بین المللی پیدا خواهد شد تا بین توپا ماروا و حکومت وساطت کند ، ما باید مسئله را بنوع دیگری مطرح کرد ؛ ما باید این راهجگه چریکی را بگذارانه نامیده ، نه انقلاب - باسیسم

تعمیرات و بازسازی نیروی ملوایان تأیید و نه انقلابیون .
 می بیند که مسئله بر سر سطح مبارزه مسلحانه است و حتی " اولیگارک " ها هم از ما یک
 جهت رفتی را انتظار دارند .
 ۱- مانعیت و حمایت از تکامله با رژیم از طریق عملیات خود امانه بد هم : هرابتکار
 اروپایان ضد ابتکار پاسخ گوئیم ؛ بد نیال هرشکجه ، شکجه گروا برک محکوم کنیم ؛ نویسنده
 هر مقاله ای را جازات نامتیم که نتمت میزند و حقیقت را قلب میکند . در این میدان عمل ،
 ما از اشتباهی برخوردار نیستیم . این نوع تکامله اگر تا دیروز بر مبنای بود ، امروز به سرحد
 نیست و باید ترانینگ ، به این نوع تکامله ، در صد ، ایجاد فرهنگ لغاتی میانیم که برای
 بخش‌هایی از خلق ، قابل درک و فهم نیست . این شیوه وظیفه خود را انجام داده است ،
 طولی راه را پیوسته است و شرایط لازم برای رسیدن به جیز پیری را آماده نمود است ،
 اکنون موقع برداختن به این " جیمز دیگس " است .

۱۱ سال ۱۹۷۱ بود . اکنون برنامه ۱۹۷۲ را نیز نظریت کردیم :

- ۱- رساله نظامی هفت شماره ، چنین میگوید : ما میتوانیم جهش کیفی آید و راه‌چون
 جهشی از برایا کنیم که ما را بجانب سطح بالاتری از مبارزه مسلحانه ، به طرف تصمیم رگشودن
 جنگ ، بسوی محاصره کردن و نابود نمودن نیروهای فعال دشمن رهبری خواهد کرد ؛ و
 در نتیجه ما را بجانب استحکام موقعیت و واقعیت و وظیفی بودن کشور ، به طرف بنیاد ی کردن
 پروسه بسوی استعمال کامل سلاحها و تانکهای موجود ما رهنمون خواهد شد .
- ۲- در حقیقت ، از سال ۱۹۷۰ ما در صد جمع آوری شرایط را تکمیل انجام این جهش
 بود ، ام که کم و بیش موقعیت آمیز بود ، در طول سال ۱۹۷۱ بدلیل پروسه انتخاباتسی و
 وقایع سیاسی دیگر ، این جستجو معلق ماند ، هرچند که همچنان در دو برنامه‌های
 استراتژیکی ما بصورت ثبت شده باقی مانده بود .
- ۳- بسیاری از برنامه های واقعی و مشخص- که بعضی از آنها در دست اجرا بودند و
 حال تخلیق - در آن در برنامه آماده و تنظیم شده بود . آن برنامه ها ، بخش عمده ای از
 اعتبار و ارزش خود را از دست داده اند و حتی ممکنست - در صورتیکه بخواهیم آنها را ، خارج
 از زمینه تاریخی و نظامی بی که بصورتشان تهیه و تنظیم شده بود ، بسوی " جیمز دیگس " و
 در آرییم - اجرای آنها خطرناک به باشد .
- ۴- در یک کلمه ، قضیه بر سر این بود که از محاصره مستقیم و سیستماتیک نیروهای سترکوب
 - چونان شکل اصلی عملیات نظامی و سیاسی - صرف نظر کردیم ، و چیزیکه ما اکنون به
 می کنیم خارج کردن این مسئله است از مفهوم و برنامه تاریخی که تاکنون در آن بدرجه
 و قرار داد آن در سطح تکلیفی فوری ما .
- ۵- ما از طریق آن در جستجوی رسیدن به اهداف انقلابی ، در وظیفی کردن کشور
 - هدف فوری : قرار داد آن کشور در یک موقعیت مسلح جنگ انقلابی ، در وظیفی کردن کشور

۶- بطوریکه مشاهده میشود ، با وجود داشتن یک خط منی نظامی ، باید همین یک خط
 منی جدید سیاسی را بدخواهیم دنبال کرد ، باید بین وظیفه موقعیت‌های بی سرانجامی
 را - که به انزوای ما منتهی خواهد شد - در پیش نگوییم .

۷- ضروری خواهد بود که یک برنامه مشخص تهیه و تنظیم کنیم که گنجه جبهه همسای
 مبارزه را در برگیرد ، آنها را با هم هماهنگ کند و تقویت و تازینش برای هر یک از وظایف
 محتمل نماید . ما باید تاریخی را برای حمله و تهاجم خود مشخص کنیم . این برنامه باید
 به مرحله تصمیم شود ؛ در آن آمادگی ، اوضاع و احوال ، و عملیات .

۸- ما باید هرگونه برخورد منفعل را - که میخواهد تا بینهایت ، برای دست بعمل زدن ،
 در انتظار فرصت و اوضاع و احوال مناسب باقی بماند - کنار بزنیم . در حالیکه شرایط عینی
 بطوریکه مناسب است ، این را بگرمای مربوط میشود که از طریق فعالیت خود ، ابره های
 مثبت این شرایط را نیز برکتیم و شرایط درونی را خلق نمائیم بشمولیکه با امکان در دست
 دست بحمله بزنیم . ویژگی نحوه عمل هریشا هنگی در همینجا است . بعنوان مثال باید
 بگوئیم که در سطح بسیج خود ها و بنیاد ی کردن مبارزه شان ، تا اینجا ما می توانستیم
 منتظر باشیم که این امر بخود بخود ی توسعه پیدا کرده و بیا یک نیروی سیاسی دیگر
 وطنیة انجمن را بسپرد بگیرد ، ولی امروز تا ایست است که از خود سؤال کنیم که : کدام
 نیروی سیاسی ، برای انجام آن ، در وضعی بهتر از ما قرار دارد ؟ و اگر وظیفه انجام آن را بر
 عهده بگیریم ، چه نیروی دیگری چنین تعهدی را بر عهده خواهد گرفت ؟

۹- ما میتوانیم آنها را در مرحله جدید راه و حرف بر این امر بکنیم که آیا خواهیم توانست
 بر روی یک نیروی سیاسی کوچک و عینی هم ، حساب کنیم یا نه . این به ارگانهای رهبری
 ما مربوط میشود که مناسب ترین موقع روز به عملیات و انتخاب کنند . ولی بطوریکه میتوان

(نشر ماستها و روستاها) ۴ تهیه و تنظیم یک پلانم سیاسی فوری ؛ توسعه روابط ما با
 انقلابیون ارژانتین ؛ تهیه و تنظیم یک خط منی بین المللی که با برنامه ما در توافق باشند ؛
 تهیه و تنظیم یک برنامه عملیاتی مشخص [Concept] در تمام جبهه ها ؛ یک روز به
 روز مورد بررسی قرار گرفته و حسابش نگه داشته شود ؛ خلق مکانیسم هایی که با امکان
 نداشتن که مسائل لژیستیکي ضروریه بسوی این شگ جدید مبارزه وارد کنیم ؛ تهیه و
 تنظیم یک خط منی پارلمانی مناسب ؛ توسعه و گسترش خط سیاسی جبهه ملی رهائی بخش
 ما ؛ منتظر اینکه در شرایط دشوار ، تنها و بیوزنی باقی نمانیم ؛ تطبیق کردن و تقویت کردن
 در یافتن اسبوالیستی ما و توسعه در آن تبلیغات در این زمینه ؛ بسوی اجرا گذاشتن
 برنامه های سیاسی و نظامی لازم در موقعیت فعلی .

ناید برای اولین بار در تاریخ سازمان ، ضروری شده است که بایک وسواس در وقت نظامی ،
 برنامه ای تنظیم کردیم که تمام جبهه ها و تمامی نماهای مبارزه را در برگیرد ؛ و در هر قدم ،
 کلیه تازیهای عینی مربوطه را مورد سنجش قرار دهد . در این کار تک آمادگی ، باید
 ارگانهای رهبری کلیه جبهه ها شریک و سهیم شوند . در یک روز برنامه کار کردن در امکان
 ناپذیر شده است ، این برنامه باید شتون فقر از کار سازمان ، در فرائض کلیه جبهه های
 مبارزه را تشکیل دهد ، پراتیکه سازمان ما را به طرف تغییر آن رهنمون شود ، ولی ابتکار بر اثر
 اجبار و تازیه قابل انگار و وقایع و بر اثر تفکرات خاص خود مان صورت خواهد گرفت . بالاخره ،
 این برنامه ، وظیفه هر هنر عضوها هنگ کند و رابرسه خواهد داشت .

خلاصه اینکه ، محاصره مستقیم و سیستماتیک (رژیم) باید قطع شود و بصورت یک درونمای
 در دست ی در آید ، برای اینکه بتوانیم اقدامی مشخص و فوری نروا ؛ که لازمت تمام
 نیرو های ما بصورت آن گردد - به انجام برسانیم . این گد به مرحله ای عالی تر و باید
 بایک در وقت نظامی مورد محاسبه قرار گیرد .
 مانین باید روز " (۱۱) خود را داشته باشیم .

ب به دست زدن به عمل
 از دست و اندر ابتکار عمل

(۱) آوریل ؛ حیطه قدرت " اسکادرین مرگ "

در پایان سال ۱۹۷۱ ، آتش بن انتخاباتی خاتمه یافت ، و عملیات به از ایست بلکه از سایر نقاط
 کشور آغاز شد . این عملیات ، نه حدت و شدت فوق العاده ای داشت و نه در جستجوی این بود که
 جلب نظر کنی و چشمگیر باشد . هدف توپاماروها در این مرحله از سازماندهی مجدد و آمادگی خود
 برای تهاجم بزرگی که پیش رفت ، و چنین چیزهایی نبود ، با اینهمه موثر بودند ، با این
 مخصوص بود اسی در زمینه نیروهای مسلح ؛ تقویت کردن عملیات در مناطقی که مستور

گفت که ما حمایت سیاسی کلیه کسانی برخوردار میباشیم که در حال حاضر میتوانیم بر رویان
 حساب کنیم . هنوز بیشتر میتوانیم در میان خود ها پیشرفت کنیم ، اکنون باید سؤال را
 معکوس نمائیم ؛ اگر از نظر کنی و کیفی ، سطح عملیات خود را ارتقا ند هم ، برخوردار اوری از
 حمایت بیشتر شود ، ما امیری نمانن نخواهد بود ؟

باید بطور عینی به رژیم حمل کنیم ، به ارگان اصلی آن هر چه وارد کنیم ؛ بطوریکه خود مسان
 بیک نیروی واقعی تبدیل گردیم به نیروی که قادر باشد بخشهای جدیدی از جمعیت را
 بد و خود جمع نمود ، و راه یکا لیزه کند . مردمی که در حال حاضر ما میتوانیم به طرف خود جلب
 کنیم باین احتیاج دارند که وقت و وقایع و گاهی روشنی از امکان پیروی ما در دست ی راهی که در
 پیش گرفته ایم ، داشته باشند ؛ و این امر میتواند تحقق یابد اگر از طریق پیروی بیسوسای
 جدی و نظامی . بدون اینکه این مطلب را افزایش کنیم که : با تهیه شرایط کسور و
 همواره بخش عینی از جمعیت وجود خواهد داشت که مرد در خواهد ماند ؛ مبارزه را بعنوان
 تماشاچی از بر نظر خواهد گذراند ؛ اینک در آن متعصبه شود .

۱- از این لحظه ببعد است که میتوانیم راههای مقصدی را انتخاب نمائیم . اولین
 آنها ایست که بر اساس یک برنامه بی کم و کاست و در حقیقت نظامی پیش برویم ؛ و کم که به این
 حد برسیم که جهش کیفی را تحقق کنیم .

- محاسن (این برنامه) : خواهیم توانست خود خرد ، خود را برای مبارزه آماده و نامتیم
 و روز به روز خود را با واقعیت بسنجیم .

- معایب (آن) : دشمن هم خود را آماده میکند ، و برنامه ما را کشف میتواند .
 راه در بگرمای بر ایستکه هنوز چند وقتی خط منی کوتی خود را حفظ کنیم ، و در صورت خود
 را برای تهاجم آماده و نامتیم - که بطور ناگهانی آغاز خواهد شد و دشمن را بسختی در تمام
 جبهه ها مورد حمله قرار خواهد داد .

- محاسن : عبارتست از کلیه محاسن فاکتوری و هماهنگی کلیه نیروهای تحت اختیار
 ما .

- معایب : با بر ایگداشتن یک برنامه تئوریکي این خطر ما را مورد تهدید قرار خواهد داد
 که در روز مقدر ، (این برنامه تئوریکي) نتواند مرحله عمل را اجرا گذاشته شود .

بد و توجه ما به راه انحصاریت ؛ زیرا وظیفی خطر کنی که به همراه دارد ، و در مسلم آهسته و
 مبارزه و وجود بیت آنرا مورد تهدید قرار نخواهد داد ، و در ضمن بشیوه خاص خود ، ایست
 امکان را در اختیار ما خواهد گذاشت که خود را با واقعیت بسنجیم . در بدترین حالات
 (بعضی وقتیکه شایسته و در حد موقعیت نبود ، باشیم) ، بالا تر از این نخواهد بود که کار
 را از نو آغاز کنیم . در هر حال ، این راه در صورت انتخاب ، لازمت که بطور جدی - بسور
 مطالعه قرار گیرد . باید در باره اش بحث کرد و به اندیشه فریاد .

یک سلسله تکلیفی فوری از این در زمان متخج میشود ؛ تهیه و تنظیم یک خط منی تبلیغاتی
 مخصوص بود اسی در زمینه نیروهای مسلح ؛ تقویت کردن عملیات در مناطقی که مستور

روزانه نگاران ، در صبح های کارگزارانه شده هر بار قدرت انفجاری بیشتری بکار میبرد ، تعداد سو ، صد ها برینا افزایش می یابد ، ه صورت سو ، ضد کشندگان مطلق است : پلیس هیچیک از اینها را دستگیر نمی کند ، در حالیکه تعداد سو ، صد ها صد ها می رود . تصادف این اعمال تا به آن حد می رسد که نیاز از چپ نظیر "هنگور کاستا چنتو" و "راموس فیلیپینی" رود شده ، شناسکجه نه و باقتل می رسند ، چیزیکه "اسکار روزن مرگ" نامیده می شود ، دستگاه مرکب اسرارآمیز راسی کاملاً واقعی ، بی شک بی خدای نی ولی همه جا حاضر - ، همیل خود ، هورقت و هر جا که اراد ، کند ، دست بکار می شود .

تقسیم بر سر میست ؟ قضیه عبارتست از اینک ابداع امریکای شمالی که انصافاً میتوان آنرا - بشرطی که میتوانست راه حلی برای یک مسئله بدین وجود و راه حل ، پیدا کند - نوع آمیزه است ، راه حل ابداعی این حضرات را در تبدیل یک د ایره به یک مربع ، میتوان بشرح زیر افاضه نمود : چگونه یک حکومت - حتی به قانون اساسی ، در مرکز آنیک ، در صرف جهان آزاد - میتواند - با حفظ کردن ظهور هر قانون ، در مکرر اس و حکومت پارلمانی - مخالفین انقلابی خود را از میان بردارد ، جنبش شود ، ای را از طریق ایجاد رحمت و توبیخ قلع نماید ؟ امریکای شمالی ها جواب این قضیه را پیدا کرده ، آنرا بوسیله " دستگاه قهرمان لیبرال (جان اف ، کندی) که در امریکای لاتین ، مرحله آزمایش گذارده اند ، که از آنوقت بعد در گواتمالا ، در برزیل ، در ونیز ، و در ونیز و امروز در آرژانتین و اروگوئه تصفیه و تطبیق شده است : از طریق زیر زبانی کردن و بصورت مخفی در آوردن ، در دستگاه مرکب رسمی ، وزارت پرق و بخش تقسیم کردن آن - این تقسیم نه اینک در ارگانهای دولتی مرکب صورت بگیرد بلکه در نحوه عملکرد شان انجام میشود . قوانین مدنی بیشتر کشورهای امریکای لاتینی بسیار لیبرال می باشد - بعنوان مثال در اروگوئه حکومت به نام " آزمان پایله در سال ۱۹۱۶ لغو شده است ، در انگلستان و فرانسه ، اصل تفکیک قوا حکومت می کند که بعنوان نشانه ای از دموکراسی از نوع کشورهای غربی تلقی میگردد ، این رویه استهانتی از " دموکراسی " بنحاطی وجود انقضای هائی از ظهور (که بولوا " بنحاطی وجود ستمهای رشوه و فساد ، از اصل خود ملامت توجیهی تر می باشد - ایمن ظاهر) در مکرر اس و حکومت قانون) مانع از آن نمی شوند روزیکه حقانیت ستمت های حاکم ستمی مورد تهدید یا بنحاطی قرار گرفت ، همه اصول آنها زمین گذاشته شوند . " جنگ مخصوص " که بوسیله ایالات شده ، در این بخش از جهان ، برای انداخته شده است یعنی برای اینست که این دموکراسی ضرورت اید تولوژیکی " محافظ شود (بنام چیزی که بر استناد بر آن میتوانند در مقابل استبداد سرخ و از جهان آزاد دفاع کنند) ، البته در همین حال ، بعنوان " ضرورت پراختیگی " از تحویل یک سناریوی توریورجست - محو توریورجی جسمانی خود ، اری نخواهند کرد (در گتره چگونه می کنند که بتوانند در مقابل تهدید یا انقلابیون مقاومت نمایند ؟)

" سرین مخصوص " که در گواتمالا " تانو " یک سلطه اسما را بر می داشت ، در برزیل و ونیز ، لاتینا ، در اروگوئه " اسکار روزن مرگ " نامیده شده است - فقط برای اینک چند نبرده بدست در میم - ، یک سرین عزیزی نیست ؛ بلکه یک سرین انضابطیست نظامی و مرکب پلیس رسمی می باشد که همچنین

حواستار را خوب جمع کنیم ؛ آنچه را ما در اینجابه لحن هموطنزبان داشته ایم ، در مالمهای اخیر ، در امریکای لاتین ، به قیمت جان هزاران کادر ، رهبر و مبارز انقلابی (مثلا در گواتمالا ، بنامی اعضای رهبری حزب کمونیست) تمام شده است . در اروگوئه تنها کمونیست که در آنجا بچین تمام ماروها جنبش انقلابی توفیق یافته است که مکاتیم های " اسکار روزن " را سوآورده و اجازت این ماشین جنبش را پیدا کرده - بدون نیاز جوش از نسون باره زو بهنگاس پلیس ، و همچنین سایر منابع اطلاعاتی این امکان را فراهم کرد که بتوان تاریخچه این را در رکاز هم جدید ، بنحاطی عملکردش بی برد ، و با ترکیب آن آشنائی یابد .

اسکار روزن از گویکه بی تحت سرین او اریه بنام - از اداره کل اخبار و اطلاعات وزارت کشور - باین یافت ، این اداره با بنگاه روتوتحت نظارت " سیا " (C - I - A) و مشاوران کاننیل - کارنده آواتانسسی بین المللی توسعه (A - I - D) ، یعنی پیشرش از " سیا " ، در سماری از کشورهای همسایه نظیر بکند در برزیل ، در میتره (۱۲) تیرتقیه صاری بود - تا نسون شد - و روسای کل آنها ، با وجود این شافل پلیس ، افسران نیروهای مختلف صلح رتبه ادبی از ما بران مثلتن زیر دست شان ، در این اداره جمع شده و تحت ریاست د بزرگان د تقویت ریاست جمهوری انجام وظیفه میگردند - بسیاری از ما سرین اسکار روزن در برزیل نثبت شده ، بود ، یک بخش از مواد مفرجه مرده استعمال - زمینیت (Gelin) - توسط سرویس اطلاعاتی دولت آرژانتین در اختیارشان گذارده شده ، و هر روز ، بهنگام ظهور " خفاگران و پلیسیا (Jefatura de Policia) " ، نامده مبروم کرده ای راه سفارت امریکای فرستاد که حاوی نشره ای از اطلاعات و اخبار بود . تمام این جزئیات ، به مراضا مابه تاریخها ، نمانی ها ، و رکیه د قانون آن از طرف تیم ماروها ، در معرض افکار عمومی گذارده شده ، و همراه این ، نام تنگنه گران و قانونی که توسط جنبش حکومت میگردد شده ، بود ، اعلام گردید ، و در تاریخ ۵ افریل ، اطلاعیه ای حاوی نام اسکار روزن از اعضای اسکار روزن که بوسیله جنبش توفیق شده ، بود ، منتشر گردید .

در اول مارس ، اسکار روزن ، یک دانشگاهی اد بیات بنام " ابرو گوتز ریز " و عضو اتحادیه دانشجویان و یکی از اعضای جنبش ۱۶ مارس برای رای ، تنگنه مید هد و قتل می رساند ، هجسد او که با ۳۱ کلوسه سوراخ شده ، بود ، در یک محل سرزوی پیدا می شود . این جنایت جدید ، با تازگار مردم را باعث انقلی می رساند - جنبه گسترد ، و بی شک و راهیهای عادی بعنوان اعتراض ترتیب مید هد - بسیاری از مردم کم کم از خود ستقلال میکنند " چرا " تیا " های کاری برای کردن این جرح میروسی انجام نهد همد ، و تاکن میخواندند که بعنوان شما چنانی این جنایات (که به جنایات انجام شده در ارمان آغاز انتخابت) - که بوسیله یک گروه از جوانان قاضیست بنام E. P. P. ، در انجام میشد ، مورد حساست کامل ، دستگاه قرار داشت - اضافه شده بود ، باقی میماند ؟ ام ، آن ، ملی رزم جمع آوری اطلاعات و انجام با زرسی ها ، همچنان دست بعضا ماند ، و با احتیاط عمل میگرد - بسیاری از تیم ماروها به دای که بر سر راهشان گسترده شده بود ، آگاهی داشتند . اسکار روزن همچنین بوسیله رژیم بنامیه یک ابزار سیاسی بکار برنده بود که تیم ماروها را در همان لحظه ای که در صد این بود ، که جنگ بزرگ راد در سرتاسر کشور بر اید ازند ، در یک جنگ کویله سرگرم و گرفتار کند ، با اسکار روزن

عملیات ارتباطیاتی نایجری بر خورد اشد تد و حتی بسیاری از آنها بنحاطی وجود سانسور و سانسوت عمومی مطبوعات ، از نظر مردم بدور ماندند ؛ از ژوتیک " نیروهای شفق " سوشلیت مبارزه علیه " آتوگران " و ابرمه ، گرفتند ، روزنامه ها ، باران بو ، تلویزیون ، بیگرنیتوانند جز اعلامیه های رسمی از منابع نظامی ، چیزی را انتشار دهند - بی شک آرژان اعلامیه در دستگاههای گیرنده و فرستنده ، و اینهمه ، و تفرگرافی های هوایی ، نقشه های جغرافیایی ، طرحها (به ویژه طرح شبکه " آگو " های مونه وید توکه باتر منی از شهر اری کی رفت) ، پول (بصورت ۱۶ میلیون پیزو) ، طبق ارقام منتشر شده در اعلامیه های رسمی) ، با اضافه چند عملیات محدود و در زمینه امداد تنگنه گران - اینها معروف ترین عملیاتی بودند که در این دوره انجام شدند - عملیاتی که در یک صورت چیزهای جاری ویژه را درآند ، بودند .

توسعه و گسترش عملیات در سرتاسر کشور ، و بر اهدگی تعالیت نظامی ، نشان مید هد که " برنامه تانو " در رگاز با اجرا " خونینی مواجه بود ، است ، در ۲۱ سپتامبر " با نگاه کلف مونه وید تو " طعم حربی می شود - " تیا " ها در اینها رتقیی نه داشته اند ؛ این اولین عملیاتیکه " میگروفراسکین " از اشعاعیون کم دوام و زود گذری بود که کمی قبل ، به واسط موضعگیری های ضد عملیات نظامی " و به منظوری ایجاد یک حزب ، از سازمان جدا شده بودند ، برکنس در پایان د سپتامبر ، در پایت " پییز اندو " ، کمکند وهائی از ام ، ال ، چهار هند ، را اشغال میکنند ؛ یک کاریر " تلفن) ، یک پاسکاه پلیس ، یک فروگاه ، و یک آستگاه راد بو - که از اینجا " اعلامیه پیژاند " ، را ، که د لایه از سرگرتسن معاصات ابراری مردم سرتاسر توضیح مید اید ، در پیوسته می کند ، در سوم اکتوبر ۱۹۷۲ نوشت اشغال تراد بو سارانه ای " فرامی رسد ، در ۲۴ فوریه در مونه وید تو ، یک عکاس پلیس ، عضو تیم هوای شفق " بوسیله جنبش رود می شود ؛ بلافاصله این واقعه چند ان جلب توجه نمی کند ، ولی بنامیه " چاشنی یک تان خچه طولانی عمل میکند که در حال منقرضت است ؛ بعد خود که نتایجش در سرتاسر سال ۱۹۷۲ احاکم می شود . بالاخره در ۲۹ اوتبریل عملیات " گالو " بدون ایجاد شکلی انجام می رسد ؛ و ۱۱ سپتامبر ، آن - که چند تن از جرمین عادی را با آنها ملحق می شود - ، بوسیله تونلی گرفتند ، از بیمارستان که دستگاه مونه وید تو ، از زندان فرار میکنند . این عملیات از داخل زندان بوسیله " آخو بو پیز " - که از زندان " پونتا کاره تاس " (۱۲) بهنگام فرار دستجسی عملیات " ال آیسویو " گرفته بود ، در ۲۹ فوریه (۱۹۷۲) در باره د سنجینده بود - رهبری می شود .

اینجا عملیاتی بود که از جانب ام ، ال ، مان صورت گرفت ، ولی در اینوقت اود رجولی صحنه قرارند ؛ بلکه هر یک دو کارتره شده بود ، و وقایع تعیین کننده " اوضاع و احوال ، خصیصه ای عام ، سیاسی ، اقتصادی یا بخود گرفته بود . اول مارس ، رئیس جمهور جدید ، بود ، ابری و کوشنده ، پیروز در انتخابات متشکله ، هیسند ریاست جمهوری جلوس می کند و سوگند یاد میکند که بقانون اساسی احترام بگذارد - تطیل ایزول پیز ، بی وقفه ادامه می یابد ، پارلمان در مورد لغو " تد ابیرایی " - که تدد شد ، ماند - به بحث می پرد اری - ولی خط جاکر موقیمت نشانه ای که تمام این تشنجات سیاسی در سایه آن قرار گرفته است ، عبارتست از اینگیری سو ضد های سیاسی علیه اماکن جنبه گسترده ، سنابل ، رهبران سیاسی چپ و رگای ، در انگلری بخوابند ؛ زندانیان سیاسی ، استادان دانشگاه و

در مواردی (یا بایس) عمل میکند ؛ با خاتمه های امن مخصوص خود ، با نامهای ستعار افرادش ، با اتوبیلهای خود و روهایی ، با سلاحهای ثبت نشده ؛ این یعنی بنامیه یک سازمان منفی و زیرزمینی عمل میکند با این تفاوت که هیچ خطری آثار ابرمه تهدید قرارتید هد و رگیه امکانات حکومت در اختیارش قرار اری - پس از تنگنه و باز جوشی و اری مرگ قربانی خود را حد رنمیکند ، بلکه خیلی ساده و در سوتک اوزا زمین میبرد ، هجسد قربانی چند آن کرده و در صحنه وی مقب مانین انداخته و نوری دریا اسیر مواج میسازد ، یک سازمان مخفی نفلو نا پدید ببرد - گوتز ریز ، از همان بارش جمهور ستوری (البته هموا شفا هی نه کنی) صادر می کند ، بوسیله پلیسیای شامل با خود روهائی که از قطع اعتبارات ستری خرید اری شده ، اند ، مورد اجرا " در بی آیند ، در مورد سو " ضد بوسیله سبب ، مواد منفرجه از اداره کارخانجات تسلیمات ارتش با ابرار های وزارتخانه " خارج می شوند ؛ و در مورد مناطق " مورد مراقبه (بین پلیس و ماروها شهر اری) " که ماروران شهر اری با خود روهائی خود ، بنحاطی نظم در این مناطق بی گتست می پرد ازند ، با دستگاههای مخفیات راد بوئی که در مرکز اره کل شهر میانی مستقر است ، به پلیسیای در چین انجام ماموریت ، در این مناطق دستوراد ، می شود ، برای جلوگیری از برخورد های ناگهانی با ماروران شهر اری و موقع حوادث ناگوار ، راه خود را به مقصد منطقه د دیگری گج کند ، بد بکنونه ترافت بین المللی نجات پیدا می کند ، و در مکرر اس و حکومت قانون ، سالم دست نخورده باقی میماند - همان افراد و که مشاغل رسمی خود را در روزگزار ترخته ، در اد ارات شهبانی ، در رگاز ریاست جمهوری ، به واسط قوانین جاری ملکنی با انجام می رساند ؛ هر چند وقت یکبار ، برای انجام " ماموریت اری " باید می میشود ؛ همنگه وظایف محوله را به پایان رسانیدند ، همانند کارندان وظیفه شناس و معقول بسرکاری خود برمی گردند - در اینبنگام ، مقامات عالی رتبه حکومت با تعجب و متعجب و حتی ابر از آنچار ، شکایات خانواد ، های قربانیان را دریافت مید ازند ، که با نهایت رحمت از طریق مطبوعات (در صورتیکه مطبوعات اجازه انعکاس اخبار را پیدا کنند) از اخبار روچشند ، آرم ریائی ها ، جنایات ، اجساد تنگنه شدگان و بنا پدید شده نهائی غیر قابل توجیه مطلع می شود ؛ و فردی که شب پیش گوئی تلفن ابرمد داشته بود ، تا مدتوراد م ریائی تنگنه و هتل چند تن را صادر رکید ، اکنون خود را عیضاً مثل آثارشان مید هد و برای اینک در زمینه حسن نیتش جای تردید بی باقی نگذارند ، در مقابل نمایندگان خانواده های قربانیان ، از نگوئی تلفن را بر مید اری و سپمان سرویس پلیس که شب پیشی ، در دستور اوزا مورد اجرا " در آورده ، بود ، موگند ، ا دستر مید هد که با صلاحیت و سر مستحق وید و ن ترحم و کفرتین مراعات ، به با زرسی بیرو ازند و در راستم و وقت مسئولان این جنایات هولناک را ، در هر ششول مفاقی که باشند - دستگیر نماید . و در این خاصنه ، نمایندگان مجلس به ششور می پرد ازند ؛ ریاست جمهوری ریاست می کند ، اساقفا ها ، عمای می کنند ، و آنگاه بهابه د انگلری می پرد ازند ، هر روز نامه های پر تیز ا فتم سرد بیران خود از " دیوار آهسی " مخوف کوا سخن می رانند ، حتی دست و پا بازی را با نجان می رساند (مانند گویه " جلات وابسته برزم برزیلی) که در صفحات اول ، ترجمه متن کامل نوشته وان پل سارتر را ، که در آن نویسنده و تفرست و انترچار خود را از اذات مخوف آستائینی رژیم کویله باره می شامر (که سالم و آزاد است و راستواست در کویله اریود) ، بیان داشته بود ، منتشر می کند .

کاوتد ارك وآمار گئی، تحت سرپوش آتش بس هومت و مبارزات انتخاباتی انجام گرفت و در تمام طول مبارزات انتخاباتی، (برای ردیم کردن) فقط جسبه گسترده بود که هرف هدی دستگارا سرکوب قرار میگرفت . این چیزی جز پیش در آمد جنبه واقعی نبود ، زیرا که هرف اصلی اراد اظهار افکار آزادانه بود . ام ال بود . آتش بس انتخاباتی نفق پیرو از بود والیفنا، میکرد که در پشت سر آن رژیم ستوانست در مسکو و نیروهای خود را جمع آوری کند . حکومت در حالیکه در ۱۹۲۱ م از صلح دم میزد و در سخا بدست آغاز جنگ را ندرت می دید . دشمن با نظاره هیه موش مردمی و به تراکم و سازمان نیروها به ایجاد یک ساختمان نبرد تهاجمی عبادرت میوزید . در همین فاصله گرچه به وزن بدن سازمان اضافه بشد ولی نیروی قدرت خود را از دست میداد و ویژه بخاطر استخدام اعضاء جدید و پای کرد و بود بخاطر دستگاره های بی پروا که تکیه بر خنل و پیچواریه سنگین و مذگ شده بود و در نتیجه به داشت فیزی و تحرك زمان گذشته خود را از دست میداد . خلاصه اینکه ام ال ان، خلیه و سنگین شده بود بدون اینکه باین امر توجه داشته باشند و آنها هم درست زمانی که دشمن داشت از طریق ننه من غریب در آوردن و خود را به موش مردمی کردن ، صفات برجسته علمیان و ظریفیهای مانوری توپا مارها را از آن خود میکرد و درست در همین زمان و توپا مارها را به دست آنها از دست میدادند . امروزه بسیاری توپاهائی که فکر میکنند آن ظاهر مفعول نیروهای متلق " یک حلیه جنگی بسود ، بتطور یوز و گراگر نام ال . ان ، همچون یک غاظر (۱) ، یکی از توپاهای وقتیکه درباره دوره قبل از اوایل حرف میزند نیز چنین میگوید : - Nos Hicieron Un Engorde (۲) ، ویا اینکه : La Orga Era Un Torta (۳) .

توپا مارها با از دست دادن جهانی خود و بخاطر نبود نیروی گران که در ارتوت و تمام سطوح سازمان حکومتی میکرد و بخاطر بیبها ، دادن به نیروهای خود : گارجائی رسیده که بخاطر هس بطوریه اوم بلسان تهاجمی نگر کردن مکه کم از تفرغ اوع غافل باشند و تد ابهر اینی راه که در سابق آتمیه برای ابعوت قائل میشدند - بدست فراموشی میازند ، کارانتلیجنس اطلاعاتی شسان و در بیرون خط سیر آنها، بیکه خیابان یکطرفه نباهت داشت که بطور مستقیم در جهت دشمن جریان داشت و کارهای تد افعلی ریا توشی بیحال و بی رمقی را در اجائی برگرداری نمود . آنها را عنوان به دولت قتمیه کرد که دارای یک سرویس اطلاعاتی عالی میشد ولی از سرویس ضد اطلاعاتی محروم و بی بهره است . توپا مارها که در تحلیف کردن ، فیتیر بر داشتن ، فیلم برداری کردن ، نفوذ کردن و در دشمن مهارت پیدا کرده بودند ، کم کم فراموش کردند که دشمن هم قادر است در تحلیف کردن ، فیتیر بر داشتن ، فیلم برداری کردن و نفوذ کردن در توپا مهارت پیدا کند .

کامل روشن است که این مجوز ثنائی بطاهر رنگینی ، در واقع از یک اشتباه سیاسی و تقویت ترانیکه از یک رگ بزرگ شدگی و هم پیچیدگی نسبت به قراین دیالکتیک مائیلیستی سرچشمه میگرفت (به این معنا که منبع و سرچشمه ایننی احتیاطی های " نظامی " نه زیاد روی در تقوی و بلکه تقوی آن است) ، باید بگوئیم - اگر جواز چنین تحمییری را داشته باشیم - که توپاها با اندازه کافی به فلسفه نمی پرداختند ، بنا براین باید از ه کافی به ضد جاسوسی توجه نداشته اند ، این رگ به رگ شکاف و هم پیچیدگی متفی برایی بود که دنیامیک بودن خود و ایحساب آوردن و دنیامیک بودن دشمن

زیرنیامتن کامل بود ست نخورد و مانسند و بسود یک هبا کاوند ، از نقطه نظره عقلمیان و دمدی قرار داشتند که در نظره چند ساعت و هراتی بشد بد تر از آنی که سازمان روز قید و بنافته کرده بود به دشمن وارد نمایند . ویا اینکه روزهای بعدی ، حق پس از قتل مبارزان کمونیست در روز ۲۲ آوریل و توپا مارها از جانگان نخوردند . محترترین - برای بسیاری - دلسرد کنند ترین - محاسا در همین جا نیفته است ، این بی فاعلیت روزهای اولیه و اجزا " متفرق مگانیسم نسکیگ ناید بربوع تقیونی و نابود گرانه راهب مفضل کرد ، زیرا که نند ان " نیروهای متفق " را نیز ترسوند ، هه نوع آزادی علی را برایشان باقی گذاشت که منتهای بدست آمد اولیه خود را بطرف حد اکثر سوق د هفد و هیره های خود را به پیش برانند ، به اشغال حد ان عل بپرد از ندر رآنجای لخدوا خود بدست میانوروزند . فقط در اینوقت بود که جنبش " Perdido el tren " (۴) .

چرا یک جنبش همیسی و قلمی ناگهان ؟ علتش این نبود که دشمن قوی و نابودگر شکست ناپذیر بود . نه . علتش این بود که سازمان و تازه از یک بیماری شده بد بمرحاضت و داشت دوران نقاهت را سپری میکرد . دلیل شکست نظامی توپا مارها را باید در یک امر سیاسی جستجو کرد : این مگانیان و چهره شری بود که از دست رفتن ام ال . ان خانه کرده بود - نظامی گراف و د تقوی سمر اینکه ضد تهاجم خشن " نیروهای متلق " و سازمان را در دست و توسط بحران غافلگیر کرده و بسود و درست در لحظه ای که سازمان عملا فاقد خط متفی علمیانئ شخص و همیسی بود ، درست در وسط یک دوره تصفیه داخلی و بنای ساختمان جدید سیاسی و نظامی واید تلوژیک و درست چند روز پس از یک تغییر سریع هیات رهبری .

در اوایل هنوز جنبش بد رستی از یک در هم گمشدگی و پاره شدگی در روش سربر نیاور و بسسود : گوانسیون توفیق یافته بود که در ماه مارس و ستوهای اولات و وننه وید توراید در هم جمع کنند که جد آل اید تلوژیک طولانی و بیخیز وخی بین گروه رهبری کنند و آنوقت گروه د بزرگ زرگرت ، در ۵ آوریل و ماشین جواب ننداده و نزدیک بخش مهمی از آن و هنوز نند است که به کی جسنواب بد هد ، به هیات رهبری سابق و پابه هیات رهبری جدید - که هنوز تمام اهرهای فرمان را در دست نه داشت . هرونوع تحویل اختیارات و یک مکه به رخصی فرستاد در قدرت نباهت دارد و این شرطی که فاصله از زمان - زمان تجربه شده و نوزی و یا حزم و احتیاط قدم برداری - امری اجتناب ناپذیر بر حلقه میگفت . در هیچ حال - چه در مورد یک دولت باشد - چه در مورد یک حزب وجه در مورد یک ارتش - و قدرت نه قابل تقصم است نه قابل مصالحه ، گرانیکه به نا توانی و محسودن در همیگری - یک هیات اجتماع از رای دوسر و چه دست بدست و چند بدست سربون ، وقت که هیات رهبری جدید به فرصت گشگل ماشین را پیدا نکرد و بدست در همین وقت دشمن ماشین خود را کسه در اوج قدرت بود - بر اه انداخت . در چنین حالی و اختلال در کار ماشین و اجتناب ناپذیر بی نماید .

در سلم و از وی بد شانس و یکا بعد این تقیبه بر طرف گردید . اگر رهبریتجا متوقف نشود ، بامسئله بطور مستقیم مواجه شد و ام . این بحران و یکروزه همیشوری مانند توفانی در یک آسمان شفاف و ظاهر بزرگ بد یکه خود آن هلی القسه و شرفه یک تاریخچه طولانی پایک فنووسستی ارگانیک

و ایحساب نیایردن و بدین معنا که دشمن را ارادگ و ساکن فرض کردن ، نتیجه اش این نبود که برآ برآورد نام درستی از رابطه نیروها و محاسبات بتاریک و کزیرا که چنین برآوردی یکجانبه و مگانسکه می باشد . بلسان رانندگان کامیونهار بواسطه تقیبه ، این توهم باطلی از برگ است ، که مخاطبش رانندگان توپهلبها میبند که در هنگام سخت با هوایازیک و پراز ، اینظور تصور میبکنند ماشین که از وی بر میخیزد ، آید به حرکت است . بدون اینکه نگر کنند که برای برآورد لحظه تصادم لازمست بر سرعت خود و سرعت ماشین مقابل راهم اضافه کرد . بلسان نظامیان و این فراموش کردن اصل و وظیفی بودن است و اصلی که طبیعت استراتژی و ایماناز ، زیر احاطه نظوریکه گوچه ویتز در رفتار کوتا هسی بیان کرد (عیارتی که بظاهر حرکت می نماید ، ولی لندن یک عمق عظیم و دیاکتیک را در آن می یافت) : " از میان کلیه فعالیتهای بشری و جنگ فعالیتی است که بیش از همه به بازی ورق نباهت دارد " : هر بار قبل از زمین انداختن یک ورق و باید محاسبات طرف مقابل را محاسبه کرد . اندر زمسروفر سون ته (Sun Tse) : " دشمن را اگر مثل خودت شناختی و در صد نبرد پیروز خواهی شد " و باید باین نحو خواند : هرگاه دشمن را شناختی که چگونه تکامل پیدا میکند و با تکامل پیدا کردن و تخمین کردن تو ، خود نیز را چگونه تغییر میدهد در اینحال در صد نبرد پیروز خواهی شد . بنحیبه دیگر ، خطیر جنگ انقلابی و چیزی جز منطبق مبارزه سیاسی طبقاتی نیست : منطبق بیسیب علمیات در حال حرکت و جنبش و تدریجی که بوسله یک برگ تحمین و تعریف میشود .

یک اهرم بیب وجود دارد که در بین سازمانهای انقلابی که تعادل به دشمن در یک حد امرسته را دارند - و این را مشابهت یک تعادل طبیعی تلقی میکنند - بر وی خود خم شده اند و به جهشان خارج پشت کرده اند - به جهانی که با اینبه تبدیلی (یعنی شناختن آن) ، مورد هدف شان میباشد - و بسیار کم رواج پیدا کرده است . و این امر بیب ، اینست که در مبارزه مایه جیسورت تنهائسیم و هسه و طرف وجود دارد ؛ طرف مخالف ماه و خودمان ، بعضی ها میگویند : هلد ان و نشکستن یک در نراز چه فایده ای دارد ؟ ولی اگر اجازه بفرمائید باید بگوئیم که کلیه شکلات و اشتباهات یا فاجعه های جنبش انقلابی امریکای لاتینی بر ده اخیر و در ایفاد بودن این حقیقت اولیه خلاصه میشود : اگر اجازه بفرمائید باید بگوئیم که مسئولان و مبارزان انقلابی در بین هر قسمل و از میان آگاه ترین و جسورترین و روشن ترین افراد یک جامعه بر میخیزند و در نتیجه میتوان چنین استنتاج کرد که در آنقدهار هم که ظاهرش بی نمایانند ، بازیست و د لایلو با قدرت و عبق و ارگانیک وجود دارند که " فراموش " از این قبیل را توضیح میدهند .

۲ - تقایص زره و جوشن

پاسنگونی خشن دشمن و علی رقم اینکه بیب بیبی ها برتری داشته ، اصل و اساس مسئله نیست . ام ال ، ان در ۱ آوریل ، ابتکار عمل را در دست دارد و است و در قوب این روز رخصتاک از دشمن ازگان رهاری استثنائی از دست رفت و دو " خطه " مهم در موضعه وید تو سقوط کرد و بسیاری از مبارزان دستگیر شدند ، هنوز سرنوشت تعیین نشده بود . ام ال ، ان در ۱ آوریل ابتکار عمل را در دست دارد که خشونت زنجیر گسیخته دشمن را بدین جواب گداشت . هدرت آتش ام ال ، ان و همچین

و دنباله و ادر شمار بیرفت که باصلاح هدر اورتولر و رشد سازمان بود . لحظه ای که برای شخفر شدنش انتخاب شده بود یک بد شانس بشمار میبرد و رنگه خود بحران ، یک چیز تمام می بود . در اینجا مایا رابری زمین میگردد ، برای هگان لغزند هاست ، در آنجائی که دانشی مگنیسا (مشابه ضرب المثل : زیر پای کسی را باید تروی خانواد و تست) و احترام انسانی و ویژه اندیشه مسائل انسانی و محاکم میکند که در نهایت احتیاط قدم برداریم . آخرین برهان و افسوس و - تنبها برهان قاطع - باگذشت زمان اعتبار خود را از دست داده است زیرا دشمنی که از وجود مرتد انی نظیر آما د پورس (Amadio Perez) و مایو بی پیر (Mario Pir - 191۱) - از اعضای هیات رهبری سابق ام ال ، ان - سو د بوده است ، دیگر نباید چیز مهمی در باره تاریخچه گذشته توپا مارها جایای بد هد ،

التصافی اید تلوژیک و دیگر کوشش اصل و بنشما " مبارزاتی که برای بنا کردن ام ال ، ان بد در هم جمع شده بودند نتاقتن ظاهر شوند و ای را تشکیل میدهد اند که بد نظیر رسید بر آن غلبه یافته اند ، ما آنرا در لیست این " تقاضات احکام کلاسیکی با برههین قاطع و وحد بین سق که آلمه جنبشهای انقلابی بر سر آن در هم شکسته شده اند " قرار داد و بودیم (۲۳) ، و چنین بنظر میسد ، بود که ام ال ، ان - برای آنها راه حل علی پیدا کرده است . بدون اینکه به توفیق جنبش در اولین مرحله در تقیبه کردن بر نهاضکتونی خود و بر هاضتگ کردن از اجزا " متشکله گوناگون خود کم بها " در همی و اشتراک گیم که راه حل پیدا شده ، از طریق تجربی بر این مسئله و آنجان " پراخیک " - یعنی عاری از ایگان اید تلوژیک روشن - بود که بخشن عمد و اش بصورت " تشویک " درآمد .

تعییت وحدت و در تقاضا " بهنگام اولین گوانسیون عمومی ام ال ، ان ، در ژانویه ۱۹۱۱ صورت گرفته بود . بعداً و در مارس ۱۹۱۸ و گوانسیون در صرح اصل مرکزیت و مرکزیت را همچون قانون سازمان مورد تصویب قرار داد و بود ، مقرانش از نظر مدت و وراحت قابل تحمین بود بنحیبه که نهرین سائتروالسم و احتیاط را - که وجود شان برای هرارتشی که باید یک عملیات با قدرت نظامی را توسعه د هفد ، لازم و ضروری میباشد - ، باتحیرن یک د موزکراسی درونی بی نهایت پیشرفته - که وجود ش برای هر حزبی که بخنواهد از طریق میاحات و منجمعی و گردش افکار رواند نیشه ها در بین افراد خود ، بلا متن را تانین و تفحیر کند و لازم و ضروری میباشد - ترکیب و تلفیق میکرد . در حقیقت ، این ترتیبات نتوانستند تا انتباه و زمانی وسعت خود و رنظر گرفته شوند ، یا بنحیبه برتری نتوانستند از نظر توانگانی ، طبیعی و اجتناب ناپذیری بر وی ننده مشیت تمایزها ، موضع گیریها و تعالیات تفاوت جلوگیری بعمل آرد و با بر وی آنها سرپوش بگذارد . با افزایش حجم فوق العاده و یافتن سازمان ، میشد پیشاپیش ظواهر اولیه یک شکاف یا ایجاد و نمایا سیاسی وحد امل و نسویه کار امشاده و کوه اولی تود و ای ، بيشتر موزکراتیک و در اندیشه آن که پیوند هایش را بانود ، ها مستحکم کند ، از نقطه نظر علمیانئ ، متقابل بر این بود که بهمنان مثال ، قبل از اجرای افروای اصل مرکزیت و در جنمشی بد گروههای علمیانئ خود مختاری تأکیکی اعطا نماید . بیب پیششیشاهنگ گرا و جواتشر ، این اشتکاها بر خاضه ، طرف اصل مرکزیت بعد از افراط و علاقت به افراط " ارجحیت به علمیات کاند وی و شریه زن نهایی نظامی ، کم بها " د هفد ، به کار سیاسی سازمان در جنبه های تود و ای و

در میان خود ، نازمانیکه نگهبان قدیمی بر سر بنشیند فرمان باقی بود ، قدر مسلم مسئله بر سر گروه‌های در قیام مشخص شده و فرآیندهای شکل گرفته نبود ، موضعگیری اولی بشیوه ای غیر قابل بحث ، حتی با نایب کشیدن بروی دومی ، هواره پیروزی داشت . سندیك ، با گذشتة سازمان در هنده ، سندیکاهای روستائی خود ، با زندگی " ریشو " ی خویش ، ریمان کارگران کشاورزی " سالانو " و " پایزانو " ، و با شخصیت اصنام و ارتوبه ای خود ، نام و حیثیت و اعتبار خود را به جویمگیسوری اولی ، که مدتهای طولانی بر سازمان حکومت و تسلط داشت - اعطا کرده بود .

توقیف هیات قدیمی و " تاریخ " رهبری و همچنین دو هیات رهبری علی البدل (جمعا ۲۰ کسان در نظای - سیاسی) در اوت ۱۹۷۶ ، در خانه ای واقع در کوچه " المریا " پس از پایش ماورای مکانی در آن میتریزه ، يك چرخش تاریخی در زندگی سازمان بشمارفته است . ام - ال - ان ، با سر پریده ، مدتها نجان بود که یا شیوه ها و اصول ، و خود را انطباق دهد ، در ظرف چند ماه برای خود همسری فراهم بیهند ، ولی این سو ، چون آن سو اولی نبود ، میتریزه " انریا " يك بریدگی و شکاف اساسی در دهر ام - ال - ان ایجاد کرد که بلافاصله به پیشم بخورد ، ولی در دراز مدت ، اشکات خود را بر جای گذاشت که لحظه انتقال آن در آوریل ۱۹۷۲ بود ، همین امر که مدت بیست اینکسال ، تقریبا تمام کرده " نگهبان قدیمی " در زندان " پوتنا کاره ناس " محبوس ماند ، به ما ندره کرسی خلافت نشستن گزینشی را که به " گزایش ساورائی " (۲۴) معروف شده ، فراهم ساخت . فخرسدان آمارگی و تجربه ، عدم شناخت قوانین مربوط به نحوه عملکرد سازمان ، ناکافی بودن ظرفیت تجربه و تحلیل سیاسی ، موضعگیری اینوقت جنبش را در بر میگرداند ، نتوانست بروی این از این امر تأثیر گذارند ، و این تصادفی نیست که " خرد " فرانسوی " که در همین وقت ظاهر شد بنوی آفرینتیک هیات رهبری محکم و استوار و دارای شخصیت و اعتبار استفاده کرده و جان گرفت ، مثلا امروز اینطور ارزیابی میشود که ترمیم مجدد به موقعیتهای حکومت - پس از زمینه استعفا ی رئیس جمهور وقت ، به نشانی بد نیال بودن در آن میتریزه (که موضوع فیلم " کومبا کارواس " و " فرانکو سولیناس " تحت عنوان " در محاصره " را تشکیل میدهد) - ، و برگشتگی و درگوش رابطه نیروها که از این امر سرچشمه گرفت ، بوسیله هیات رهبری موقت تدبیرش بود ، تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نه درك شد .

ام - ال - ان ، يك " بلوك " بود و نتواند با بترک هایتی ، همه " بلوك " را در بر میگرداند ، بنحویکه بدون اینکه خالی کردن در کسبه های مسئولیت بروی عده ای مطرح باشد ، بیادداشتن ایسین کیمه ها بدوش عده ای دیگر که تکالیف بوظایف برعهده نشان گذاشته شده بود که برانجام رسانیدن آنها از حیثه توانائی شان خارج بود ، میتوان گفت مسئولیت آن ، همه اعضای جنبش را در بر میگرداند ، این يك فیلم سیاه و سفید نیست که آدمهای خوب و بیگناه و آدمهای بسد در ظرف دیگر قرار داشته باشند . سازمان را در مقابل امواج و توانایی حفظ کردن ، ادامه حیات و رشد آن را علی رقم همه و قبل از هر چیز تأمین کردن ، در آن هنگام تلاش اساسی بشمار میرفت کسمسه ستولان جدید به نحو تحسین انگیزی با انجام رساندن ، قبل از هر چیز ، کارائی نظامی را جسته جسته گردان و باین منجر شد که يك سلسله عملیات سنگت انگیز و استادانه انجام دهد و در نظرگاه افکار

تأییدتنگی آنرا خواهد داشت که معترف جنبش باشد و با نیرویی خاص خود بولی بحساب همه و خط متی کلب را بر مرحله عمل درآورد . این درست ، ولی مشکل وقتی بوجود می آید که بروی خط متسی کلبی و دیگر توانایی وجود نداشته باشد .

اگر هستون شروع کند که به هیات رهبری مخصوص بخود جواب دهد ، یا اینکه از این پس شروع شود که از فلان سنن و پیمان برنامه صحبت بعمل آید ، چنین وضعی بوجود خواهد آمد که پیکای این " ارگانسیم بهم پیوسته و شاخه شاخه شده ، و بنحویکه عملکردش مستقل از ارگانتهای باشد ، در صورتیکه این ارگانتهای (در این مورد ، منظور " ستونها " است) نسبت بیکدیگر از استقلال برخوردار باشند ، یعنی هر یک که کل برتر از مجموع اجزاء " خوبی باشد " و جنبش پیش از این کمتر بهم پیوسته خواهد شد ، پیش از این " سنگین " تر خواهد شد ، و علی رقم شاخه شاخه شدن هما عکس العمل نشان در آن ندره بکندی خواهد گردانید ، در پایان ۱۹۷۶ ، یخه بند (۱۰) عملیاتی ستونها ، جای خود را بیک تمرکز جدید و خطرناک سرپوشای ایضی ، لژیونستیکی سپه اشتری داد ، بر هکسمه ، بخش نظای و سیاسی در صدان برآورد شد که در ستونهای تخصصی خود رانینه بندی کنند ، به بعضی از ابزارها ماوریت داده شد که انحصارا به وظایف سازمان تود های مبارزتی و روزنه و عده ای دیگر در تلاشهای عملیاتی بقی تخصص می یافتند . خلاصه اینکه ، سازمان بحورت موزائیکی از ستونها برآید که بطور زیرساری و نامتعادل توسعه می یافتند - از میان اینها ستون شماره ۱۰ مونه وید شو ، بروی دوش ستونهای دیگر مونتیا با د میگرد ، در همین حال ، سنگت و مقیاسهای خود را به دیگران تحمیل می نمود .

جنبش است نتیجه و بالکنیکی اشغال يك هیات رهبری طرفدار مرکزیت افراطی ، که مخالفان سنسرا وار از میگرد که " بانته جد الا که ای را تشکیل دهند " . جستجوی یکپارچگی بهر قیمت که شده ، يك قطعه قطعه کردن يك تجربه و تفکله مضمر و وضعی را بوجود می آورد ، بویژه وقتی که مخفیانه جریان یابد ، مشاوره های آن مدتهای طولانی نامرئی جلوه میگرد . نظای گزایش بهر قیمت که شده ، يك ائتلاف و گاهن کیفیت نظای و قابلیت تحمل می آید ، این در مقابل يك شوک جیبه ای باد شستن را بد نبال می آید ، بویژه وقتی که مخفیانه جریان پیدا کند ، اشکات آن در آخرین لحظات دره پسران آفتابی خواهد گردید . يك ملتیا ریزه شدن افراطی ، يك ابزار نظای باتوان و غیر قاطعی را بسوی خود خواهد آورد .

بدون اینکه قصد مان این باشد که اسدی را اختصاصاً مورد حمله قرار دهیم ، این يك امر محرز است که در آستانه ازمسگرته شدن مناصات و سازمان بندی محسوس بروی يك مقصد از نظم های شمر خواهد بود که جوچه هایت در آخرین لحظات سر برآوردند ، مانند نظای ، بطور ناکافی در مرکزیت ، و در آنجا نیکه در یکجا مانند قبل در تصمیماتی که در بر سر گرفته میشد و نتیجه و تنظیم آنها ، در حالت شرکت داشت ، و در آنجا نیکه ارگانهای رهبری در ارتن در دادن به کنترل مجموع مبارزان سازمان میزدند ، يك نوع معترف طلبی یا " Amiguismo " (۲۷) روح یافته بود که بر اساس آن ، در دستا گرفتگان هدرت ، دستان خود را به پست های مهم و کلیدی بر میگردانند و به شایستگی ها و ارزشهای بطور بیگانه میگردند ، بوسیله مبارزان بی لفتائی نشان

عمومی این فکر آنکه پیدا کنند که ام - ال - ان ، پس از احاد تا کوچه " المریا " شکست خورد و منتهی م شده است ، در زمانه های رسمی بطور خستگی ناپذیری و این سلسله عملیات را شمر و سلسط میدادند ، و وقایع و بطرز خستگی ناپذیری اهمیت حیاتی و داشتن آن عملیات را (با همه سنگت انگیز و استادانه بودن نشان) مورد تکیه قرار میدادند . در این دوره ، توقیف ، زندانی و شتم و محکوم کردن بوسیله در آگاه تود ای در زندان خلقی " و صرف سبیل پارچسی بود که برافراشته نگه داشتن اهمیت فوق العاده داشت ، کاری که ستولان جد پدنا جاشادادند ، و بنابراین ، این هیات رهبری لیاقت افرا داشت که ضمانت جبران خسارات جنبش را در يك دوره شکن برعهده بگیرد ، و اینکار ، سیاسی و حمایت اصول هیات رهبری قدیمی را ، که بحدک اجبار بجایمان نرفته بودند - برایشان به ارفغان آورد ، ولی این هیات رهبری قدیمی بر کار از تصمیماتی که بسببوری در نشان انجام میشد روی اطلاع از جزئیات که میگذشت ، نگه داشته میشد ، کوفتیکه پس از عملیات " ال آیزو " ۳۴ سو استفاده می وجود داشت (۳۰) - ماژیزان فرار کردند ، مخالفین و یار جاسار اضطراب و وحشت شدند ؛ دیگر نمیتوانستند ، ام - ال - ان سابق را باها شناختند .

بنابراین در سپتامبر ۱۹۷۲ ، در دهر و مدتی از کارهای جنبش ، خود را بر زندگی بخی و پراکند شده در موهنتن روی تو و اربالای اطراف آن بازی یافتند ، بی آنکه نه با خارج و نه با همدیگر ارتباط داشته باشند . عده ای در روستاها شترن بودند که " برنامه تانو " را پدید کنند ، و عده ای دیگر ماوراجرای " برنامه کولار " شده بودند - برنامه ای که میخواست ، ام - ال - ان را در کسب بندر حومه شهری پایتخت سنتر کند . خلاصه اینکه ، گروه نگهبان قدیمی " - که به " کولگا وها " (۲۶) معروف شده بود - ، خود را از جا کند ، و به نقاط دور برای انجام کارهای حاشیه واریا تانوی تبعید شده ، و بطور سیستماتیک کم هور استفاده قرار گرفته بوسیله هیات رهبری موجود احساس میکرد ، از طرف دیگر ، کاتالهای ارگانیک که میبایست ، در وجهت و بطور و طرفه ، پایه و راس جنبش منحل کنند ، و از برای آنها ، تعدا تا میبایست که اختلاف نظرها در میان جاری پیدا کند ، از طریق هیات رهبری موجود ، صد ر شده و بلا استفاده مانده بودند . بنابراین ، فرار کنندگان از " ال آیزو " ، همچونند یکس و سنگام ستوازی ، و سنگام خلقی در مخفی را ایجاد کنند که افرا " La hora de la maldad " (۲۷) لحظه مونگیری " نام نه دادند - همیوظنر بهر قیمت

در اروگوئه حق خود را از دست نیدند و لولاینگه این از گروه تنها اراضی ام - ال - ان با هستند - ولی این دسته بندی و بدور هم گرد آمدن " قدیمی ها " ، این هیات را داشت که با عصبی بودن سازش - بنوی که سابقا وجود داشت ؛ را در و کاتالهای ، و در مرکزیت - قطع رابطه میشد ، و این رکن انضباط و کارائی نظامی ، فدای در کار هم عیده شدن ، انقراض ستگاههای متکی به شخصیتها میگردد . ولی بهم برسنگ و تجماع سازمانی جنبش ، بدنی قابل از این امر ، بطور جدی به نظر افتاده بود - خود مختاری ناگهانی ستونها ، مسلمانیک اصل قدیمی سازمانی جنبش بشمار میرفت ، که به آن امکان داد ، بود که " جنبشی بدون سر - بروی که شکست بروی قطع شود - باشد ، یعنی که نمایندگان و بیگانه سیاسی آن در يك نقطه مشخص جمع نشده ، اندک در برآورد بتواند آنها را به گروه و از ترکیب و نحوه آرایش آن اطلاع یافت ، بلکه هرگز از جنبش ، در صورت لزوم و ضرورت

میدادند ؛ يك استبداد گزایش عمومی ، که قوانین و اساسنامه های سازمان را مورد نخطی و تجاوز قرار میداد ، و قوانین و اساسنامه هائی که - در مورد همه آنچه که به حقوق و امتیازات سازمانیان و به سوا قیام و محاصره داخلی مربوط میشد - به سراسر صرح و قاطع بودند ؛ رفاری فرقه پرست و خور و تختی نامرئوم که در برخوردی سرد و خشن با همرویان بیان میگردد ، چیزی بود که به هیچوجه با رومیة اصلی - پارچیة سنگتگره گوش بزرگ ولی در روابط انسانی گرم و دوستانه و صدا قانس - " قویا " ها زحلی نداشت . این تفاوتها ، در هنگام " سمپوزیوم ماه مارس " ، بهنگامی که دلمر در دل ها سر برآوردند ، توجی تجلی و برمیگشت یافتند ، بنحویکه در گزایش حاضر به کسورایش " امتیاسی " و گزایش " غیر امتیاسی " طلق نمدند تا نیکدیگر قابل تشخیص باشند .

فرهنگ لغات انحراف گزایشه با تمامای زیرسویهایش ، شکست نیال میدهد است که بر این جدائی و اختلاف ها بر جمب " چپ روی " یزند البته بشرطی که در نقطه مقابل آن - از آخرین مقدس به این طرف - ، اصطلاح " دست راستی " وجود نمیداشت ، ترکیب مخالفی که وانگهی تا نون نسام چپ روهاست . نظای گزایشی ، در هنی گزایشی ، نقد ان قابلیت انتقاد از خود ، عدم ظرفیت درك تمام جنبه های يك موقعیت ، عدم توانائی در برآورد رابطه نیروها ، و در يك کلمه یعنی حادته چپویی - بنظر میرسد که اینها انتقاد هائی بود که رفقای هیاتهای رهبری سابق از کمیته اجرائی موجود در مارس ۱۹۷۲ بعمل آورد ، بودند ، ولی این خطوطی " در نقطه مقابل خود يك مقاراز " ایسم " ها را بد نیال آورد - امروز آن دوره را " دوره ایسم ها " نام نهادند - که در خطوط دست راستی " ، مانند لیبرالیسم ، اپرئونیسم و تریونفالیسم (پیروزی گرا) ، قرار میگرفت ، با توجه به عمق تقایم و در عالم واقع ، این کج روی چپ روهانه از خود بیخوردند - خود را تابه آن حد در جلو تود ها قرار دادند که در بگرد زمین خیالشان نبود که بد اند خلق در تحت جسه شرایطی خواهد توانست بد نیالشان حرکت کند - و توجمان سیاسی از یک کج روی ایدئولوژیکی دست راستی بود . گزایشهای نامسوانیستی ، جنبش را از مواضع مارکسیست - لنینیستی خود بدور انداخته بود . بهین طت است که امروز ام - ال - ان ، توپا ماروها ، آن مرحله - مرحله ای که بقیشت بر گزایش ، متحول شده است - در راه چون مرحله " خرد " بورژوازی " مشخص میگردد .

هنوز در آزان هستیم که اتفاق آرا ، در زمینه گستره اختلاف نظرها و بزدند ، توافقها بوجود آید ؛ زندگی ، ابر گردنرو - متباین تراز يك فهرست کج روهیاست . اگر این همواره عادت توپا ماروها بوده است ، که بدون شرم و عار و روئین ، اشتباهات خود را جستجو کرده و بآنها انذمان نمایند ولی هرگز نمانند آنداشته اند که بروی آنها ، بشیوه ای ناسالم و فساد انگیز ، بیش از حد سباحت نشان دهند و سرت در بر سینه همسایه خود بکینند ، انتقاد از خود را به طلب استغفار میدل سازند و اشتباه را با گناه کبیره عرض بگویند . اگر برای ام - ال - ان ، بلخظه بر یاد داشتن يك جمع بندی است که اندازی - فرابرسد ، در اینوقت شاید مشاهده کنیم که گروه " نگهبان قدیمی " نیز کاملا از ایسین آزمایشی عمومی در امان نخواهند بود ، چه اینها هم مدتی پیش از حد طولانی ، مبارزه ایدئولوژیکی و سیاسی را در درون سازمان بنا میگردانند و آزان اجتناب کرده اند ، در هر حال ، هنگامی که در

۸) بقیه در این زمینه عقیده روشنی ندارند. برعکس، در بین افراد از سال به بالا، فقط ۵۰ درصد چنین استقامتی معتقدند؛ ۱۹٪ خلاف این امر فکر میکنند؛ ۶۱٪ بقیه در این زمینه عقیده روشنی ندارند و با جواب دادن خود داری کرده اند.

(۷) "بخش ثالث" که در مقابل secteur Tertaire انتخاب شده، بخشی از جمعیت فعال است که در تجارت، بانکها، بیمه ها و ادارات غیره بکارگرفته میشود.

قبل از بخش ثالث با بخش خدمات، در بخش مولد و اقرار شده است: پروتشاریای صنعتی یا بخشی دوم یا ثانی، "روشنانیان و کارگران کشاورزی یا بخش اول".

(۸) یعنی: "هیچ جا، از گزیده نمیشود".

(۹) Coryphaeus (وزیر) Kouraphaios مشتق شده است. در رشتار یونانی، رهبر (choruz) را با این نام میخوانند.

(۱۰) مطالبی که در اینجا درج شده، در باره انتخابات عنوان شده است. مربوط به کشورها نیست نظیر آرژانتین - قبل از کودتای ژوئن ۱۹۷۳ - اکثر کشورهای اروپای غربی و تاحه ای ایالات متحده، در آنجا نیکه نوی لیبرالیسم بورژوازی حاکم است. سعادت رهبران دست راستی این کشورها در آنجا هم سیاسی بود. نشان تهنیت است؛ به همین دلیل، همهٔ زینده‌نمایان احزاب چپ در باره ای از این کشورها، از جمله در فرانسه و ایتالیا، برای بدست گرفتن قدرت از طریق انتخابات تاگون بجائی نرسیده است. بگذریم از اینکه اکثریتشهای این احزاب چپ بجائی هم نرسیده، رژیسهای "سوسیالیستی" از نوع سوئد، آلمان غربی، انگلستان، و بلژیک، و اطریش - اسرائیل و غیره موجود می‌آورند.

بهرحال، این مسائل در همین حد سخرو هم به کشورهای نظیر ایران - با "انتخابات اریامیری" که مردم را برزورسزینیهایی ضد و نقیص میروند، با صدق پرگی ها و سایر صحنه های شرم آور کشف "انتخابات نمایندگان و ستونرها" اریامیری - هیچ ربطی ندارد.

(۱۱) "Суд" را روز "ترجمه کرده ایم که بمعنای آقا زکون روز است از "ر" آن، و باشارت به هند که نزدیک شدن آنست.

روز "ر" البته با روز "صفر" فرق دارد، زیرا که "عقیده روز" بروی صفر میزان نشده بلکه پس از طی فاصله ای از صفر به "ر" رسیده است. "صفر" توقف قبل از حرکت است؛ در حالی که "ر" حرکت از بدتی پیش شروع شده است.

(۱۲) عطیاتی که در تعقیب آن ۶-۱۰ توپامارو زینده ان چرنا کاره نامرگسختند. برای اطلاع بیشتر در این زمینه میتوان به مطلب "شرح چند فرار از زندان" در مجله سوم "ماه توپاماروها" از انتشارات "جبهه ملی در خارج" آرژانتین - بخش خاورمیانه، از صفر ۲۷ به بعد مراجعه کرد. در اینجا این نکته را اضافه کنیم که "توپو یوز" - که در صفحات بعدی از اوصاحیت خواهد شد - تصویبات رهبری و یکی از نمایان گذاران جنبش بود که بر اثر شرایط نقی بسیار مبسوط در شکست سال ۱۹۷۲ توپاماروها داشته است.

ارتجاع برای از بین بردن مقاومت های مختلف و مبارزات کم آزار کافی می نمود؛ و آنوقت فرصت پیدا میکرد که بسراغ "میر" برود. آیا "میر" همچوناست بهجین مصالحه ای تن در دهد؟ بدیهیست که نه. مضافاً اینکه ناچار بود سنگینی بار و خواب خورگوشی نورفشان و زینده‌نشینان در جنبش - موقعیت عجیب و شواراست که ارتکاب نوی اشتباه، اجتناب ناپذیر باشد شوارای اجتناب پذیر میگردد.

همین مسئله نیز در آرژانتین پیش آمده بود.

در ریاض، تذکره نگه رافرا برین تکمیل که مسئله مورد بحث بیک معنا فقط در مورد کشورهای نظیر آرژانتین و ایتالیایی دقیقاً معتبر است که احزاب چپ سنتی با نیمه سنتی کم و بیش نفوذ داشته اند. مثلاً حزب کمونیست عملاً سندیکاهای کارگری را در دست داشت و ادعای حمایت از طبقه کارگران را در سطح کارهای خود قرا میداد، ولی وقتی همین طبقه کارگر مورد تهاجم فاشیستی قرار گرفت، حزب بازوهای خود را بر سینه حلقه کرد و در نهایت بارزانه یک مشت شمارهای توخالی اکتفا نمود.

این بحث در مورد کشورهای نظیر ایران که احزاب سنتی و نیمه سنتی کثیرین نفوذی ندارند، در نتیجه نمیتواند مورد داشته باشد. زیرا در ایران انقلابی جویوند بدون چشمداشت حمایت از هیچ جا - جز از نیروی خود - هاست. همه با هم مبارزه را تهنیت پذیرش میکنند. واگر اشتباهی پیش آمده، آنرا در برورس به یک مبارزه طولانی جویون کنند.

(۱۵) در مورد تیغه بندی، این عامل بسیار مهم ایمنی یک سازمان مخفی انقلابی به دو مقاله در جلد سوم "ماه توپاماروها"؛ بعنوان نتیجه گیری "نوشته توپاماروها" از آنها درس بگیریم" نوشته رژیس در بره مراجعه شود.

(۱۶) در مورد این مبارزه بد آستان جالبی که در مجله سوم "ماه توپاماروها" در شرح چند فرار از زندان آمده است، مراجعه شود.

(۱۷) در مورد این اصطلاح به توضیح شماره (۱۲) در قسمت اول این مطلب، در شماره دوم عصر عمل مراجعه شود.

(۱۸) زیرا سابق دفاع آمریکا.

(۱۹) در اینجا در بره از یک اصطلاح زبان فرانسه استفاده میکنند که بخاطر بازی کردن با کلمات، بیزه گمائی در ویلهو القا آن بفارسی درین عبارت بدشوار میباشند و نیاز به توضیح دارد. در زبان فرانسه فعل Gaver بمعنای بیزه خواندن دادن و تپاندن دانه به حلقه انگار (بطور عام) است بخاطر برآوردن آنجا. ولی در بره از زبان ما گمان Oie (غان) را انتخاب میکنند که وضع این دورا ام، ال، ان رابه آن تشبیه کند. مابنی اینکه مابنی تشبیه موافق با تشبیه باید اضافه کنیم که در زبان فرانسه Oie یک فرد پخته و ابله را نیز معنی میدهد.

(۲۰) یعنی: "آنها مارا بدوار کردند".

(۲۱) یعنی: "سازمان یک نان میخورد". توضیحات اضافه کنیم که این اصطلاح در زبانهای فرانسه و اسپانیایی بمعنای پخته بودن معنی میباشند.

انسان به مسائل مربوط به تربیت کاررها و حلقه های ارتقا مبارزان به پشتیبانی مسئولیت دار و آروند امضا طرات، مقیاس وصل هند سی اختلاف نظرها متفق القول میباشند. قدرت عیسوی ام، ال، ان، و عصر عمدتاً بهم پیوستگی و راز واقعی ادامه حیثیات انورای بدترین و ناگسوارترین آزادیامبارا بد و ر شک باید در کتبت و کیفیت کارهای سیاسی - نظامی این جستجوگر، جسی هیچگونه تمجیح نیست که سازمان در تربیت و حفظ آنها مانند مرد یک جنسهای مراقبت میکند.

بازی و ریاضتیهایی که درین زمان معلوم در هیات رهبری، منبت و برجیت یافتند، تسرجسان مستقیم خود - و به همین ترتیب مکافات عمل خود - را در ارتقا مقام مبارزان - که بیشتر اساساً مبارزهای نظامی صورت میگرفت تا سیاسی - با زیناقتند. در آن ایام، ارزش یک مبارز با همسانه تمدد او عملیاتی که در آن شرکت داشته است اندازه گیری میشد و نه بر اساس استواری مواضع سیاسی او و بهرینای خصلت طبقاتی و تعهد شخصی اش. این نوع تمایلات هیچ چیز تازه ای نیست؛ این خصیصه کلیهٔ سازمانهای انقلابی است که در برورس نظامی گری در روزنهان خانه میکند.

حواشی

- (۱) J. P. J. جوان آرژانتینی، باخیز، یک دستگاه فاشیستی است که توسط "سیا" و با همکاری تعداد ای از تالها و اوجا فرکان آرژانتینی بوجود آمده است.
- (۲) کارلوس کیخانو Carlos Quijano یکی از مشهور جامعهٔ روشنفکری آرژانتین و امریکای لاتین بشمار میرود. حکومت دیکتاتوری او - و همچنین نویسنده ای بنام اونتنسی Onetti - را در اوایل ۱۹۷۴ سنگیر کرده و در محل نامعلومی زندانی میکند.
- (۳) Marcha هفته نامهٔ زین آرژانتین که در دستا سر امریکای لاتین از اعتبار خاصی برخوردار بود است. این نشریه مانند بسیاری از روزنامه ها و مجلات معتبر آرژانتین بوسیله رژیم دیکتاتوری حاکم بر این کشور، توقیف شده است.
- (۴) Idiosyncrasie (که مشتق از زبان یونانیست؛ Idios یعنی مخصوص Sun یعنی باو، Krasie یعنی عادت بر رفتار)، معنای اصطلاحی این واژه عبارتست از: عکس العمل فرد در خصوص بهر انسان. Idiosyncrasie در اصطلاح پزشکی عبارتست از برخورد ویژه فرد در مقابل عوامل خارجی.
- با این تعاضیل، "Idiosyncrasie Nationale" را شاید بتوان رفتار بر خورد ملی ترجمه کرد.
- (۵) یعنی: "اسلوب سنتی زندگی ما".
- (۶) در برورس اشاره شده در مقابل لوئیس وین وینتو، در مقابل Uruguay hoy (آرژانتین امروز)؛ چنین میخوانیم: "بر اساس بررسی چند بدهی که اخیراً در دسامبر ۱۹۷۰ و بوسیله موسسه گالوب مونتو وید نو، بعمل آمده در بین جوانان ۲۰-۶۸ ساله ۸۶٪ فکر میکنند که آرژانتین بوسیله گائیتالیسم امریکای شمالی مورد استعمار قرار گرفته است؛ ۸٪ خلاف این فکر میکنند؛

(۱۳) در مورد این جاموس "سیا"، برای نمونه میتوان به توضیح شماره ۲۶ مقاله "از بیستام تا آرژانتین"، شماره دوم "صبر عمل" مراجعه کرد.

(۱۴) این اشتباه - به تعبیر درست تره این اشتباه بد شوارای اجتناب پذیر - هر چند وقتس یکجا و اخیراً در شمالی تکرار شد. همانطوریکه رهبر ان کار و هائیکر عضو کمیته سیاسی و مسئول روابط بین المللی "میر" نیز اشاره کرده است، علت ضرباتی که اخیراً به "میر" وارد آمده - که تعداد ای از کارهای برجسته جنبش سنگینیا کشته شدند - از جمله کشته شدن رفیق قبرسیان میگوئل هائیکر - باید در این امر جستجو شود که "میر" در مقابل انفعال سایر احزاب و گروههای چپ، ناچار بود و است که با روشی استوار نیز خود بدوش بکشد؛ و این برای جنبه "میر" بیش از حد سنگین بود و است.

اما در مقابل انفعال این احزاب و گروهها و سندیکاهای کارگری و عدم پرداخت سهم نشان در مبارزه، نیروهای واقعا انقلابی در مقابل یک موقعیت بسیار شوار و بر سر و راهی عجیب قرار میگیرند: - باید مانند رفو ریمیشهای فرصت طلب همواره ناگام و سارینگوری با فان و حزب سازان پرادمش سیاست انتظار - این انتظار ابدی - را در پیش گرفت یعنی امتحانات عمیق و حقیقتی وجودی خود را انکار کرد - همانطوریکه مثلاً در شمالی، بد تیست رفو ریمیشها همفکران بالقوه شان در این انتظار بسر میروند که یک "جناح موقتی" از برورس - یعنی جناحی از حزب، موکرات سیاسی - از جناح ارتجاعی آن نگاره بگیرد و بهر راه نیروهای خود، ای با رژیم فاشیستی نظامی مبارزه برخیزد. حکومت الفند، نیز تا آخرین لحظات، برای محقق این امید عبت تلاش کرد و نتیجه اش را بدیم؟

- با اینکه نتنها باید به وظایف اصلی خود عمل کنند، بلکه حتی با رانفصال سایر احزاب و گروههای خود، ای را نیز بدوش بکشد؟

تور بدی وجود ندارد که یک سازمان واقعا انقلابی، راه دوم را انتخاب خواهد کرد، بازی را اجباراً بدوش خواهد گذاشت که برای چه یک سازمان، و بهر و زمان مبارزه، بیش از حد سنگین میباشند. نه اینچاه امکان اشتباه اجتناب ناپذیر بود شوارای اجتناب پذیر میگردد. زیرا که خود به ها در مقابل خنونت جنایت آمیز ارتجاع و از نیروهای واقعا انقلابی خود توقع حمایت دارند. نیروهای انقلابی در مقابل این توقع مشروع - نه همیشه معقول - و کثیر میتوانند مقاومت نشان دهند. اشتباه اجتناب ناپذیر بود شوارای اجتناب پذیر که در رفوق اشاره کردیم در هیات جاست.

زیرا که خود به ها در رشتاخت و دستا و واقعی خود دچار تردید میشوند، ارتجاع نیز در رشتاخت دستا و واقعی خود دچار اشتباه نمیکرد. به همین دلیل است که مثلاً در شمالی دیده ایم کسیه در مقابل عریک از جنایات رژیم و خود به ها فقط به "میر" چشم دوخته بودند و بطوریکه خبرنگاران خارجی گزارش میدهند، معتقد شده اند - حتی گمانیکه تاگون مبارزه مسلحانه اعتقاد میدادند - که اگر کاری در شمالی طبله رژیم معانگ کوشی صورت بگیرد، فقط بوسیله "میر" انجام خواهد شد.

ارتجاع جلا در نیز بجای دست بدامن دشمنان کم آرزیدن و قبل از شهادت رفیق هائیکر از طریق خواهد افتاد (مار در بیکر فعلی "میر" از "میر" خواسته بود که بدست سه سال اسلحه را بر زمین بگذارد، و در عوض رژیم کلیه زندانیان جنبش را آزاد خواهد کرد - سه سالی که بنظر

- (۲۴) یعنی: " میدان عمل را از دست داد " م.
- (۲۳) در اینجا باره بره به مقاله " از آنها درس بگیریم " اشاره میکند، یعنی از صفحه ۹۸ بجمه ترجمه فارسی جلد سوم " ما، تو یا ما رها " .
- (۲۴) Samurai یا Samurai و شرطیقه ای از جنگجویان در زمان شو- gunale در ژاپون و قبل از سال ۱۸۶۸ - در اینجا منظور نویسنده از " گرایش سامورائیس " بدست گرفتن قدرت بوسیله جناحی از پیش بود که به نظامیگری توجه مخالفه آمیز داشته اند م.
- (۲۵) اشاره است به معنای لغوی واژه *abusos* یعنی سوء استفاده از اقتدار یا از محیط اختیارات . " ال آبروز " همچنین نام جنگی عملیاتی بود که بوسیله آن ۶ - تو یا ما روه از جمله هیات رهبری قدیمی جنبش از زندان پوتنا گره ناس آزاد شدند م.
- (۲۶) *Colgados* یعنی حلق آمیز شدگان . اشاره است به وضع گروه " نگهبان قدیمی " یا هیات رهبری سابق که کلاً در حاشیه گذاشته شده بودند و کاری که حلق آمیزشان کرد و باشند و طناب یگردد نشان آویخته باشند م.
- (۲۷) یعنی: رفیق یازی و پارتنری یازی م.